







نماز نیاز من

شناسنامه کتاب:

عنوان کتاب	نماز نیاز من
مؤلف	سید حسن موسوی خراسانی
چاپ اول	۱۳۷۶
چاپ دوم	۱۳۸۵
چاپ سوم	۱۳۹۵
تعداد صفحات	۱۶۰



مقدمه

نماز ذکر و یاد خدا، ارتباط مخلوق نیازمند با خالق بی نیاز، زمزمه عاشقانه فطرت پاک بشری و بالاخره ذکر اطمینان بخش قلبها و علاج اضطراب و دلهرهها می باشد. نماز وسیله ای برای شکر و سپاس از نعمت های بیکران الهی است که غیر قابل شمارش و احصاء می باشند. نماز نهر آب زلالی است برای شستشوی دائم روح از آلودگی ها، نماز تابلوی هشدار دهنده ای است به کسانی که در جاذبه های دنیای مادی با سرعت می رانند و گه گاهی سرعت غیرمجاز داشته و به سمت نابودی در حرکتند.

نماز، یک حضور و غیاب چند نوبتی در شبانه روز در کلاس دین و اخلاق است. انسان در دنیای مادی گاهی خود را به قیمتی نازل در معرض فروش می گذارد ولی نماز او را به یاد قیمت اصلی اش می اندازد که:

هان ای انسان! قیمت تو بهشت است، به کمتر از آن اگر خود را فروختی ضرر کرده ای تو مشمول جمله السلام علینا هستی نماز



مظهر ذلّتی عزّت بخش و تواضعی رفعت آفرین است، نماز معراج و پلکانی است به بیکرانه‌ای بی‌نهایت، نماز ستون خیمه دین و پرچم پراختزاز آئین است.

نقش تربیتی این عبادت عظیم بر کسی پوشیده نیست، اگر فرزندانمان اهل نماز شدند، اهل تعظیم و تکریم والدین نیز خواهند بود وگرنه، نه. چرا که اگر روحیه‌ی شکر مُنعم در این فرزند زنده نباشد و خدای صاحب نعمات را پرستش و ستایش نکند به یقین از پدر و مادر نیز تشکّر نخواهد نمود.

صف نماز، صف عزّت مسلمین و مبارزه با معاندین و امیدبخش دل‌های مؤمن و مایوس‌کننده ملحدان بیدادگر است. نماز تکرار اصول دین برای چندین بار در شبانه روز و اقرار به توحید و نبوّت و معاد است، نماز بازدارنده از بدی‌ها و آلودگی‌های فکری و مالی و اجتماعی است. صفوف نماز سابقه‌ای دیرینه دارد و هنر این صفوف بهم فشرده در تاریخ ثابت است. دشمن‌شکنی نماز جمعه و جماعات بر اهل اطلاع پوشیده نیست. نماز وسیله‌ای است برای حرکت در مسیر اصلی و به چپ و راست منحرف نشدن «اهدنا الصراط المستقیم»

نماز ارتباط همیشگی با هم‌کیشان مسلمان در روز، و چندین بار پیام‌دهی و پیام‌گیری و سلام رساندن و سلام شنیدن از آنان است.



«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، و نماز ارتباط با انبیاء و فرشتگان مقرب خداست، «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»
و در نهایت نماز احتیاج فقیری چون من به غنی بالذاتی چون اوست و خلاصه «نماز، نیاز من» است به درگاه بی نیاز.
مجموعه‌ای را که پیش رو دارید جمع آوری آیات و روایات و داستان‌هایی پیرامون فریضه بزرگ نماز در کنار همه‌ی نوشته‌هایی که اهل قلم در این باب به خوبی نگاشته‌اند، می‌باشد.
امید می‌رود که خدای بزرگ ما را در زمره نمازگزاران و اقامه کنندگان نماز محسوب نماید، عیب نوشته‌ی ما را گوشزدمان کنید و از دعای خیر فراموشمان نفرمائید.

سید حسن موسوی خراسانی

تجدید نظر جهت چاپ مجدد

ذیقعه الحرام ۱۴۳۷ هجری قمری

مردادماه ۱۳۹۵ هجری شمسی



سابقه نماز:

فریضه نماز سابقه‌ای دیرینه دارد. این واجب بزرگ ریشه در ادیان حضرت ابراهیم و اسماعیل و عیسی و موسی (علیهم السلام) دارد.

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا يَٰأَيُّهَا...»^۱

قضای حکیمانه‌ی خدای تو بر آن تعلق گرفته است که جز او کسی شایسته پرستش نیست.

این سنت دیرینه‌ی ابراهیمی و آرزوی خلیل خدا بود آنگاه که به پروردگار خویش عرضه داشت:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُّقِيمَ الصَّلَاةِ»^۲

خدایا مرا از برپادارندگان نماز قرار بده.

از آنجا که اقامه نماز و ترویج آن را باید از خانواده شروع کرد تا به جامعه راه یابد، در آموزش حضرت اسماعیل (علیه السلام) فرزند منادی توحید، می‌خوانیم که خاندانش را به نماز امر می‌کند:

^۱(اسراء:۲۳)

^۲(ابراهیم:۴۰)

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ...»^۱

و اولوالعزمی دیگر همچون عیسیٰ مسیح علیه السلام سفارش مادام العمر به نماز را برای خویش مایه‌ی مباحث می‌داند که:

«أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^۲

آری اولین ثمره‌ی وجودی ایمان به غیب، اقامه نماز است که قرآن مجید می‌فرماید:

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...»^۳

آری اولین وظیفه در زمان استقرار حکومت اسلام اقامه نماز است که فرمود:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۴

کسانی که اگر تمکن و قدرتی به آنان دادیم نماز را بر پا می‌دارند.

آری انگیزه هجرت ابراهیم خلیل علیه السلام و آوارگی زن و بچه‌اش

^۱(مریم ۵۵)

^۲(مریم ۳۱)

^۳(بقره ۳)

^۴(حج ۴۱)

برای اقامه نماز بود:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ
الْمَحْرَمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...»^۱

پروردگارا من ذریه ام را در وادی خشک و بی زراعت ساکن
کردم برای اینکه نماز را به پا دارند.
این بود سابقه دیرینه نماز در ادیان الهی و در مکتب پیامبران
عظیم القدر.

ثمرات نماز:

اکنون به ثمرات و خواص این فریضه بزرگ خداوندی نظر
می‌کنیم:

۱- نماز و اجتناب از گناه:

«...إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»^۲

به تحقیق که نماز باز می‌دارد (انسان را) از کارهای زشت و

^۱(ابراهیم ۳۷)

^۲(عنکبوت ۴۵)

ناپسند.

۲- نماز آرامش دل:

«أَقْرِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۱

«الْأَبْذِكْرُ لِلَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲

که پس از دو مقدمه که نماز یاد من است و با یاد من دل آرام می‌گیرد، نتیجه گرفته می‌شود که با نماز دل‌ها آرامش پیدا می‌کند.

۳- نماز نشانه مؤمن:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ

هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»^۳

دو نشانه از نشانه‌های مؤمنان در اوّل سوره مؤمنون پیرامون نماز است که یکی درباره‌ی خشوع در نماز و دیگری حفظ و حراست از آن می‌باشد.

آیات فراوان و احادیث متعددی اهمیت این فریضه بزرگ الهی

^۱ (طه ۱۴)

^۲ (رعد ۲۸)

^۳ (مؤمنون ۱-۲)

را به ما شناسانده‌اند و کوتاه سخن آنکه کارت ورود به جوار رحمت الهی نماز است که گفته‌اند: «إِنْ قُيِّلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا» اگر پذیرفته شد، بقیه اعمال پذیرفته است و آلا جایگاه و ارزشی برای اعمال دیگر انسان نمی‌ماند که «وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ مَا سِوَاهَا»

در دنیائی که نیاز به آرامش دل یک خواسته و نیاز همگانی است و نیاز به کرانه‌ای امن برای نجات از آلودگی‌ها به خوبی احساس می‌شود و همگان چه بگویند یا نگویند از وضع موجود خسته شده‌اند و از بد حادثه به پناهی نیاز دارند، نماز عالی‌ترین پناهگاه و مستحکم‌ترین سنگر و بهترین ساحل امن است. اهل رکوع و سجود در پیش‌گاه بت‌های متحرک و غیرمتحرک سر تعظیم فرود نمی‌آورند.

اهل قبله، انسان ضعیف و نیازمند را قبله‌ی حاجات خویش نمی‌دانند. گویندگان «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» دل به کسی غیر از او نمی‌بندند و سرایندگان «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» جز از او استمداد نمی‌کنند و زمزمه کنندگان «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ» با هر بی‌سروپا و اهل باطلی روابط دوستانه برقرار نمی‌نمایند و کسانی که «وَلَا الضَّالِّينَ» می‌گویند، گمراهان را موعظه می‌کنند تا به راه بیایند و اگر نیامدند برای آنها رسمیتی قائل نیستند.

آری نسخه شفا بخش ناراحتی‌های اعصاب و روان و درمان
مجرّب برای تزلزل‌های روحی و راه درمان اضطراب‌ها، نماز است.
سقف دین جز با ستون محکمی پا بر جا نمی‌ماند و آن ستون
محکم همانا نماز است.

۴- نماز آرامش روانی:

عواملی از دورن و بیرون دست به دست هم داده‌اند و روح
آدمی را آشفته و مضطرب می‌کنند، یأس و ناامیدی از درون و زرق
و برق‌های کاذب از بیرون انسان را که نیاز به آرامش دارد مضطرب
دارد و این یاد خداست که به او آرامش می‌دهد و بهترین نوع یاد
خدا نماز است.

کندی رئیس جمهور اسبق آمریکا گفت:

«آمریکا آینده‌ای دردناکی پیدا خواهد نمود، جوانان غرق
شهواتند و دیگر حاضر نیستند وظایفی را که به آنان محوّل
می‌گردد به خوبی انجام دهند و از میان هر هفت جوانی که به
سربازی اعزام می‌شوند، شش تن نالایق و سست از آب در
می‌آیند»^۱

آری بشر به هر نوع آرام بخشی غیر از ذکر خدا پناه ببرد، آرام

^۱ (سیمای تمدن غرب صفحه ۶۱)

نمی‌گیرد و غیر از سایه لطف خدا در عالم سایه‌ای نیست.

قال علی علیه السلام: كُلُّ قَوْمٍ غَيْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ ضَعِيفٌ

هر توانمندی به جز خدا ناتوان است.^۱

۵- نماز جواب مثبت به فطرت:

از مطالعه زندگی پیشینیان معلوم است که در هر زمانی و در هر جایی که بشری وجود داشته، نیایش و پرستش هم وجود داشته است، منتهی نوع پرستش و چیزهایی که پرستیده می‌شده، غلط بوده است. خورشیدپرستی، ماه پرستی، شاه پرستی، پول و شهوت پرستی و ... همه اینها دلیل بر فطری بودن پرستش می‌باشد.

پرستیدن گاهی با ذکر و وردهای موزون و یا رقص‌های دسته جمعی و حتی قربانی دادن در برابر معبودهای خیالی بوده است.

ماکس مولر:

«بشر ابتدا موحد و یگانه‌پرست بوده و خدای واقعی خویش را می‌پرستیده است. پرستش بت یا ماه یا ستاره یا انسان، از نوع انحراف‌هایی است که بعداً رخ داده است»^۲

^۱ (غررالحکم جلد ۴ صفحه ۵۳۶)

^۲ (احیای تفکر دینی صفحه ۱۰۵)



قرآن مجید پرستش‌های بیجا و بیهوده را که برخلاف سیر
فطرت هستند، محکوم می‌نماید و می‌فرماید:

«قُلْ أَفَعَيَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ»

بگو آیا به من امر می‌کنید غیر خدا را بپرستم ای نادانان؟!

(یعنی پرستش غیر از خدا نادانی است)

۶- نماز و هماهنگی با هستی:

در جمله جمله‌ی نماز که با جمله‌ها و ترکیبات جمعی مانند
«نَعْبُدُ» و «تَسْتَعِينُ» و «اهْدِنَا» بیان می‌شود اگرچه انسان تنها یک
عمل عبادی را انجام می‌دهد لکن در حقیقت تمام هستی با او
همراهند و می‌گویند «جانا سخن از زبان ما می‌گویی» و در آخر هم
سلامی به تمامی بندگان صالح خدا دارد. علاوه بر اینها در نماز،
حق و حقوق جمع در نظر گرفته شده و در شرایط صحّت آن
استفاده، از مکان غصبی، لباس غصبی، آب وضو و غسل اگر غصبی
باشد ممنوع است و این است شرایط صحّت این عبادت و از آنجا
که آئین مقدّس اسلام آئینی اجتماعی است، این عبادت را در کنار
هم و در صفوف منظم می‌خوانند و در دعای دست و دعا‌های
تعقیب آن، حقوق همه مسلمانان و همسایگان و گذشتگان و
آیندگان رعایت شده و به یاد همه حقّ داران دعا می‌کنند. از این

گذشته، تمامی هستی در پرستش و عبادت هماهنگند.

«...وَأَنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ...»^۱

هیچ چیز در عالم وجود نیست مگر آنکه تسبیح خدا می‌گوید.

۷- نماز و رهایی از غفلت:

انسان در دنیای مادی بیش از آنچه باید به گذشته و آینده خود و نیز به مسائل روحی و معنوی خود مشغول باشد، به جسم و ظاهر زندگی اشتغال دارد و این خود فراموشی، بلای خانمان سوزی شده که او را هر روز از روز قبل بیشتر غرق می‌کند و هدف بندگی را بیشتر از یادش می‌برد. این غفلت آنقدر پر سابقه و گسترده است که قرآن در بسیاری از آیات با تعبیری از قبیل «سُوا اللّٰه» ، خدا را فراموش کردند، یا «نَسِیَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ» عملکرد و گذشته خود را از خاطر برده و یا اینکه از خلقت خویش فراموش نموده «نَسِیَ خَلْقَهُ» و امثال این تذکر داده و در نهایت هم می‌فرماید: «...أُولَئِكَ هُمُ الْعَافُونَ»^۲ اینان غافلانند.

انسان وقتی جذب مادیات شد، خود را به مادیّت می‌فروشد و

^۱(اسراء ۴۴)

^۲(اعراف ۱۷۹)

قیمت اصلی خویش را فراموش می‌کند و معجزه‌ی نماز این است که آدمی را از منجلاب هلاکت نجات می‌دهد و دست او را گرفته، ارزش واقعی خودش را گوشزد می‌کند. پس نماز هشدار دهنده‌ی بیدار کننده است.

انیشترین:

این دانشمند نامی پس از آنکه مذهب حقیقی را مذهب وجود می‌داند، می‌گوید:

«در این مذهب فرد کوچکی آمال و هدف‌های بشر و عظمت و جلالی را که در ماوراء پدیده‌ها در طبیعت و انکار تظاهر می‌نماید، حس می‌کند. او وجود خود را یک نوع زندان می‌پندارد چنان که می‌خواهد از قفس تن پرواز کند و تمام هستی را یکباره به عنوان یک حقیقت واحد دریابد.»^۱

آن بلبلم که عقده دل دانه من است

آبی که هست در قفسم آب آهن است^۲

قال رسول الله ﷺ: «بِحُوا أَنْفُسِكُمْ، اَعْمَلُوا وَحَيْرَ أَعْمَالِكُمُ الصَّلَاةُ»

بکوشید و خویشتن را نجات دهید و بهترین کار و کوشش شما

^۱ (احیاء تفکر دینی صفحه ۱۰۵)

^۲ (عماد خراسانی)

نماز است.^۱

۸- نماز و وابستگی به قدرت و عزت:

انسان در تمامی لحظات زندگی اش نیازمند است، نیازمند به بی نیازی که بدون منت مشکل او را حل کند و خود او محتاج و وابسته نیست. بی نیازی که قدرتش همیشه خواهد بود و این ابراز نیاز از نوع نیازهای ذلت آور و خفت آفرین نمی باشد بلکه در عین نیاز، مایه عزت و توأم با افتخار است.

قال علی علیه السلام: «الهی گهی بی فخر آن آگون لک عبداو...»

خدایا این افتخار برای من بس است که بنده تو باشم و...

انسان، گرفتار بی صبری و حرص و طمع و اهل جزع و فزع و داد و فریاد است غیر از نمازگزارن که آنان قلب و دلی آرام و مطمئن دارند.^۲

۹- نماز و نیاز:

انسان برای رهایی از غفلت، نجات از یأس و نومیدی، رهیدن از ترس و دلهره امیدواری به آینده و خوش بینی به نظام هستی و

^۱ (جامع احادیث الشیعه جلد ۴ صفحه ۵)

^۲ (معارج ۲۰)

هماهنگی با جهان هستی و همراهی با موجودات دیگر و صدها و هزاران دلیل دیگر نیازمند به اتصال به یک مبدأ قدرتمند و توانایی است تا او را از دلهره و احساس پوچی نجات دهد و شخصیت واقعی او را به او معرفی نماید.

«... اینک به خوبی اهمیت اعتقاد دینی را در زندگی انسان درک می‌کنم و از میان تمامی آزمایشات این نتیجه مهم را یافته‌ام که: هر کس به دین و اعتقاد دینی گردن سپارد یا با عبادت‌کده‌ای در ارتباط باشد، از شخصیت انسانی و الاتری برخوردار است و در مقایسه با آن کس که ایمانی ندارد و با صاحب عبادتی در تماس نیست، کرامت خاصی دارد»^۱

قال علی عليه السلام: «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنَ سَطَوَاتِ الشَّيَاطِينِ»

نماز قلعه محکم و نگهدارنده‌ی از آسیب‌های شیطانی است.^۲
 کجا توان شدن از پیش تخت تو ملکا
 کجا توان شدن از آفتاب در مهتاب^۳

^۱ (روح الصلاة صفحه ۲۹)

^۲ (غررالحکم جلد ۲ صفحه ۱۶۶)

^۳ (مسعود سعد)

تعلیماتی در فرهنگ نماز:

نماز نشانه‌ی بندگی خداوند و به حق، کارخانه‌ی انسان سازی است چرا که انسان با معیارهای انسانی‌اش شناخته می‌شود. انسان عاقل در برخورد با مسائلی که می‌بیند، بی تفاوت نیست و علائم و نشانه‌هایی دارد:

۱- شکرگزاری:

یکی از نشانه‌های بندگان عاقل خداوند، شکر و سپاس در برابر منعم است به خاطر نعمت‌هایش:

«وَالشُّكْرُ وَاللَّهُ إِنْ كُنْتُمْ إِتَاءَ تَعْبُدُونَ»^۱

و سپاس گوئید خدا را اگر بنده او هستید.

۲- تواضع:

نماز به انسان درس خضوع و تواضع می‌آموزد بدان معنا که نمازگزار پیشانی بر آستان خالقی می‌ساید که هر آنچه در عالم وجود هست از اوست و چون خالق عالم اوست، کمال تواضع که سجده است و برای هیچکس شایسته نیست را در پیشگاه او انجام می‌دهد: «وَاسْجُدْ لِلَّهِ وَاعْبُدْ»^۲

^۱(بقره ۷۲)

^۲(نجم ۶۲)

سجده کنید خدا را و به عبادتش بپردازید.

۳- صبر:

به یقین عبودیت و بندگی خداوند در کنار شیرینی و لذتی که دارد نیاز به مقاومت دارد و لذا قرآن مجید در راستای سفارش به بندگی، سفارش به صبر نیز می‌فرماید:

«...فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ...»^۱

۴- امید:

نمازگزار از همه کس و همه جا دل بریده و به جایی دل بسته است که تمامی قدرت به دست او و همه لطف از او و کلیه موجودات بر سر سفره گسترده اویند و در دو دنیا برآورنده نیازها فقط اوست.

قال رسول الله ﷺ «إِنَّ الْمُصَلِّيَّ لَيَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ وَأَنَّهُ مَن يَدْرُ قَرَعَ الْبَابِ يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ»

نمازگزار در خانه سلطان حقیقی (پروردگار متعال) را می‌کوبد، بدیهی است که هر کس در خانه‌ای را بسیار بکوبد امید گشوده شدن در به روی او هست.^۲

^۱(مریم ۶۵)

^۲(نهج الفصاحه حدیث ۸۲۷)

۵- پاکیزگی:

انسان اگر بخواهد سالم زندگی کند نیازمند به محیط پاکیزه و بدن پاکیزه است نماز هم مایه پاکیزه شدن از خطا و لغزش هاست که امیرمؤمنان (علیه السلام) از آن تعبیر به صابون برای محو خطاها فرمود:

«الصلوة صابون الخطايا»

نماز وسیله پاک کننده خطاها و لغزش هاست.^۱

وهم پاکیزگی ظاهری در آن است.

قال رسول الله ﷺ «مَثَلُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرِ جَارِ غَمْرٍ

عَلَى بَابِ أَحَدٍ كَمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلُّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ»

نمازهای پنجگانه مثل نهری است که در خانه شما جاری باشد و آدمی هر روز پنج بار خود را در آن شستشو دهد.^۲

۶- تقرب:

قطره، با اتصال به دریا، دریا می شود و ارزش بزرگی پیدا می کند، شاگرد، خود را به دریای علم استاد متصل می کند تا با این اتصال و تقرب، عالم و فهمیده گردد، فقیر به غنی نزدیک می شود

^۱ (شرح در نهج حدید جلد ۲۰ صفحه ۳۱۳)

^۲ (کنز العمال جلد ۷ صفحه ۳۱۰)

تا گرفتاری ناداری از او زایل شده و به نعمت تمویل برسد، عبد و بنده نیز برای رسیدن به همه کمالات به خداوند عالم وصل می-شود تا به کمالات لازم برسد و نماز عالی‌ترین پلکانی است که انسان را به آن آسمان کمال و مرکز عظمت‌ها می‌رساند.

قال علی بن موسی الرضا علیه السلام «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ نَفْسٍ»

نماز وسیله تقرب پرهیزگاران به خداست.^۱

۷- بخشودگی:

ما بین عبد و معبود، انسان و خدا به وسیله‌ی گناه فاصله ایجاد می‌شود، از طرفی خداوند به دنبال بهانه و وسیله‌ای است برای بخشیدن و گذشت و از طرف دیگر انسان از خدای خویش می‌خواهد که از مغضوبین نباشد «عَنِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و نیز از گمراهان و تبهکاران نباشد «وَلَا الضَّالِّينَ» در خصوص بخشودگی انسان به وسیله نماز، امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ آتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا لِحَقِّهَا غُفِرَ لَهُ»

هر که نماز بجای آورد در حالیکه حق نماز را بشناسد، آمرزیده است.^۲

^۱(عیون الاخبار جلد ۲ صفحه ۷)

^۲(بحارالانوار جلد ۷۹ صفحه ۳۰۷)

۸-اخلاص:

در دنیای فعلی و جهان معاصر روی و ریا و دل‌های مریض، فراوان به چشم می‌خورند بطوری که بسیاری در فکر کلاه گذاشتن بر سر دیگران هستند، حرف دل و سخن ضمیر کمتر می‌باشد، عبادت و بندگی و به ویژه نماز، مکتب و کلاس ابراز اخلاص است.

فِيمَا وَصَى بِهِ الْبَاقِرُ عليه السلام جَابِرَ الْجَعْفِيَّ «الصَّلَاةُ بَيْتُ الْإِخْلَاصِ وَ تَنْزِيهَا عَنِ الْكِبْرِ»

امام باقر عليه السلام در وصیت خود به جابر جعفی فرمود: نماز خانه اخلاص و وسیله دوری از زشتی و تکبر است.^۱

۹-امنیت:

در میان آفات و فتنه‌های دنیوی، انسان به دنبال قلعه محکم و پناهگاهی می‌گردد تا اینکه در دام‌های متعدّد و گوناگون شیطانی گرفتار نشود و با صراحت باید گفت که آن پناهگاه و آن قلعه محکم، نماز و بندگی خداوند است.

قال علي عليه السلام: «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنَ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ»

^۱(بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۱۰۷)

نماز قلعه محکمی از آسیب‌های شیطانی است.^۱

۱۰- نجات:

روح انسانی و فطرت آدمی گرفتار شیاطین انس و جن و مبتلای به غرائز و خواسته‌هاست و تمایلات نفسانی او را به خود گرفتار کرده است و گاهی که بخود می‌آید به دنبال راه نجاتی می‌گردد که خویشان را برهانند. در این زمینه در روایات ما بهترین راه نجات و عالی‌ترین روش استخلاص، نماز است:

قال رسول الله ﷺ: «تَجَوَّأْ أَنْفُسَكُمْ أَعْمَلُوا وَخَيْرُ أَعْمَالِكُمُ الصَّلَاةُ»

رسول خدا ﷺ فرمود: بکوشید و خویشان خود را نجات دهید و بهترین کار نجات بخش شما نماز است.^۲

۱۱- شفاعت:

آدمی در روز بازپسین که همگان حیران و سرگرداند، به دنبال شفیع و شفاعت کننده‌ای می‌گردد که دستش را بگیرد و واسطه‌اش شود و گفته‌اند که بهترین شفیع انسان عمل اوست، آری کردار خود انسان است که می‌تواند در آن جا از انسان دستگیری نماید و در میان اعمال، بهترین آنها نماز است.

^۱(غررالحکم جلد ۱ صفحه ۱۰۷)

^۲(جامع احادیث الشیعه جلد ۴ صفحه ۵)

قال رسول الله ﷺ: «لَا يَتَأَلُّ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ.»

شفاعت من به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد.^۱

آنچه گذشت تعلیماتی بود که در کلاس نماز به آدمی آموزش داده می‌شود، حال حساب کنید کسی که در شبانه روز به طور واجب و مستحب چندین بار نماز می‌خواند و در این کلاس شرکت می‌کند چقدر از فرهنگ بلند و متعالی برخوردار خواهد بود و این کلاس چقدر بازدارنده از بدی‌هاست، در دنیائی که در آن از نماز خبری نیست و عبادت در قاموس زندگانی آنان مفهوم واقعی خود را نیافته از قافله انسانیت به دور افتاده‌اند و در آلودگی‌های فراوانی غوطه می‌خورند و هیچ بازدارنده‌ای نیست که نجاتشان دهد.

راز بندگی خدا:

اگر خیمه عبادت بر سر انسان سایه افکند، انسان از بسیاری از بلیات و آفات مصون و محفوظ خواهد ماند، دنیا، تمدن و پیشرفت دارد، تکنیک و صنعت دارد، لوازم زندگی مادّی‌اش مهیاست لکن در عین حال در درون جان خویش احساس خلأ می‌کند، احساس کمبود او را رنج می‌دهد. اگر از او بپرسیم که تو را چه می‌شود؟ چرا مضطربی؟

^۱ (محاسن برقی صفحه ۷۹)

با زبان حال خواهد گفت:

در اندرون من خسته دل ندانم کیست

که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

آری او کمبود معنویت دارد، کمبودش عبادت و بندگی خداست،
آری همان چیزی که آرامش جان‌های مضطرب است.

مرا در این ظلمات آنکه رهنمائی کرد

نیاز نیمه شبی بود و گریه سحری^۱

اموری که انسان را به پرستش خدا وامی دارد و شخص عاقل با
اندیشه‌ی آن امور احساس تکلیف می‌کند و سر به سجده بندگی و
شکر می‌گذارد، از این قرارند:

۱- توجه به بزرگی خدا و فقر خویش:

انسان اگر عظمت خدا را بداند و به کوچکی و حقارت خودش
در مقابل عظمت خالق آگاه شود ناخودآگاه اظهار فقر و کوچکی
خواهد نمود و لذا می‌بینیم بزرگانی که به مقام عظمت خداوند
آگاه‌ترند بیشتر اظهار کوچکی و نیاز می‌کنند.

«الهی أنت العنیُّ وَاَنَا الْفَقِیْرُ وَهَلْ یَرَحْمُ الْفَقِیْرَ إِلَّا الْعَنیُّ»

(حافظ)

خدای من تو بی‌نیاز و من نیازمندم و آیا رحم می‌کند بر فقیر
نیازمندی جز خدای بی‌نیاز؟^۱

۲- شناخت نعمت‌ها و فطرت سالم:

روحیه خداپرستی و ستایش صاحب نعمت در همگان موجود است و فطرت‌های دست نخورده و سالم، خویشتن را در برابر مُنعم مدیون و شرمنده می‌دانند و اگر کسی به آنان لطفی کرد، به نحوی مراقبند که زمانی از خجالت او به در آیند، این‌چنین کسی که در مقابل لطف کوچک یک همسایه یا همکار احساس نیاز به سپاسگزاری می‌کند، به یقین در پیشگاه خداوندی که صاحب نعمت‌هاست، شکرگزار خواهد بود.

«فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ

مِنْ خَوْفٍ *»^۲

مردم! باید پروردگار این کعبه را بپرستند، او که از گرسنگی
سیرشان کرد و از ترس ایمنشان نمود.

آنچه گفته شد، انگیزه‌های عبادت و پرستش بود، یعنی اگر در

^۱ (مناجات امیرالمؤمنین در مسجد کوفه)

^۲ (قریش ۳ و ۴)



کسی این انگیزه‌ها بود و توجه به خدا داشت و ضعف و نیاز خودش را نیز قبول داشت و از فطرتی سالم برخوردار بود و نعمت‌ها را شناخت، به یقین در پیشگاه عظمت او سر تعظیم فرود خواهد آورد و خویش را به دریای فیض او متصل خواهد نمود و این وجود فانی خود را باقی و جاوید خواهد ساخت.

«...كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...»

هر چیزی نابود می‌شود جز آنکه رنگ الهی داشته باشد.^۱

چرا زاهد اندر هوای بهشت است

چرا بی خبر از بهشت آفرین است

پرستشی که از ما خواسته‌اند پرستشی است که از روی علم و آگاهی و با خلوص نیت و توأم با عشق به خدا باشد، همچون علی (علیه السلام) که در نماز آنچنان محو عشق خدا می‌شود که درد جراحی پا را احساس نمی‌کند.

عبادت اگر از درون جان سرچشمه گرفت، خاشعانه خواهد بود که گفته‌اند خدا را چنان پرستش کن که گویا او را می‌بینی، زیرا اگر تو نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.

^۱(قصص ۸۸)

اگر عبادتی از روی آگاهی و از روی خلوص و باعشق و نشاط باشد، به یقین فقط برای خدا خواهد بود و چنین پرستشی را انسان با شرک و ریا از بین نخواهد برد.

مقایسه و شرمساری:

اگر بخواهیم بدانیم که عباداتی که انجام می‌دهیم کافی است؟ سازنده است؟ و صحیح است یا نه؟ باید چند نکته را در نظر بگیریم:

۱- نکته اول (دقت):

باید دقت کرد که اصلاً آیا عبادات ما صحیح است یا خیر؟ نکند از نوع اعمالی باشد که صورت ظاهرش را شیطان برای ما جلوه داده و دلخوش به آن هستیم، لکن در واقع جزء عبادات واقعی نیست، بسیاری از افراد هستند که بر حسب ظاهر و با محاسبات خودشان کار مطلوبی می‌کنند، لکن بقول قرآن مجید در واقع به بی‌راهه می‌روند، مثلاً در جامعه‌ی ما یک عده‌ای به نام انتظار امام زمان عجل الله فرجه که در اصل بسیار مطلوب است دست به سیاه و سفید نمی‌زنند، از کشور و مرز و بوم آن دفاع نمی‌کنند و با سکوتشان کمک به رواج فساد و تباهی می‌کنند، نام انتظار فرج هم بر کردار خودشان می‌گذارند.

«...زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ...»^۱

زینت داده شده است برای آنها، اعمال و کردار بدشان

به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم

که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد^۲

۲- نکته دوّم (مراقبت):

اگر فرض را بر این بگیریم که عبادات ما صحیح و مورد قبول است باید دید که آیا این عبادات مقبول، با عجب و ریا و مال حرام و نیتِ خراب، تباه و ضایع نشده؟ با بیان واضح‌تر آیا این ضبط عمل حبط عمل را در پی نداشته؟ و آیا این کالای ارزشمندی که نامش عمل صالح است و آسیب پذیر می‌باشد را سالم تا انتهای راه خواهیم رسانید؟ این‌ها و ده‌ها سؤال از این قبیل را باید از خود داشته باشیم زیرا آنچه مهمّ است این که این شکستنی قیمتی را بتوانیم به بازار قیامت برسانیم که در آن بازار این جنس فروش دارد و در دنیا به متاع ناچیزی مانند پول و مادیّات و منصب و مقام فروخته باشیم یا در بین راه با ریا و تزویر آنرا نشکسته باشیم. حضرت یوسف صدیق (علیه السلام) آن پیامبر بزرگوار الهی دعای عاقبت

^۱ (توبه ۳۷)

^۲ (حافظ)

بخیری می‌کند و به خدا می‌گوید: «وَتَوَفَّنِي مُسْلِمًا» مرا مسلمان
بمیران.^۱

۳- نکته سوّم (مقایسه):

بین چند چیز باید مقایسه کنیم: اولین آنها این است که
عباداتمان را با نعمت‌های خدا مقایسه کنیم ببینیم که خداوند چقدر
نعمت و لطف شامل حال ما فرموده و از ما در مقابل، چه چیز
خواسته است؟!

دیگر مقایسه نمائیم بین زمانی که به یاد خدائیم با زمان‌هایی
که از او غافلیم و حال آنکه اگر انصاف بدهیم باید همیشه به یادش
باشیم زیرا همیشه در سایه نعمت‌های او زندگی می‌کنیم. دیگر
اینکه باید بین عباداتمان و نیازی که داریم مقایسه کنیم که چقدر
محتاجیم و چقدر اهل پرستشیم؟

و دیگر بین عبادات خودمان با عبادات بزرگان دین مقایسه
کنیم تا ببینیم چقدر از قافله عقیم، علی (علیه السلام) با آن همه قرب به
خدا و آن بی‌گناهی در مناجات با پروردگارش می‌گوید:

«أَهْ، مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَطُولِ السَّفَرِ»

^۱(یوسف ۱۰۱)

آه از کمی زاد و توشه و طولانی بودن راه! ^۱
 و یا رسول خدا ﷺ اولین شخصیت عالم، آنچنان خدا را پرستش
 می‌کند و در این راه خود را به زحمت می‌اندازد که خدا به او می-
 فرماید:

«طه، مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى»

ای پیامبر ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به مشقت
 بیندازی.

نماز در روایات:

۱- نماز نشانه ایمان:

قال رسول الله ﷺ: «عَلِمَ الْإِيمَانَ الصَّلَاةُ»

علامت و نشانه ایمان، نماز است ^۳

انسان از اول خلقتش خداجو و در درون جانش خداپرست بوده
 است، منتهی انواع مختلفی از پرستش و انواع گوناگونی از خدایان را

^۱ (منهج الصادقین جلد ۴ صفحه ۳۲۴)

^۲ (طه ۱)

^۳ (شهاب الاخبار صفحه ۵۹)

در هر عصر و زمانی برای پرستیدن انتخاب می‌کرده است. ایرانیان برای پرستش خدای خود، روی بلندی‌هایی محراب می‌ساختند و در میان آن هیزم می‌سوزاندند و آن را مظهر صفا می‌دانستند، روحانیون آتش پرستان بنام موبد و یا (مخ) نامیده می‌شدند و برنامه‌های آتش پرستی را اجرا می‌کردند پاره‌ای از آن را در برابر آتشکده می‌گذاشتند و با تشریفات، سفره‌ای می‌چیدند و سرود مذهبی می‌خواندند...^۱

۲- نماز، سیمای دین:

قال علی (علیه السلام): «لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَوَجْهٌ دِينِكُمُ الصَّلَاةُ»

هر چیزی دارای سیمائی است و سیمای دین شما نماز است.^۲ دین و دینداری جزء سرشت انسان است و همگان در درون جان خویش وجود خالق را احساس می‌کنند و سپس خود را ملزم و موظف به عبودیت و بندگی او می‌دانند. این که عده‌ای پرستش‌های غلطی دارند و به جای خدا بت می‌پرستند، به دلیل روش‌های غلطِ الغاء شده از سوی منحرفان است که از فطرت پاک انسان خداجو سوء استفاده کرده و او را که همچون کودکی که شیر

^۱ (تاریخ ملل شرق و یونان صفحه ۱۴۰)

^۲ (بحارالانوار جلد ۸۲ صفحه ۲۲۷)

مادر می‌خواهد به مکیدن پستانک پلاستیکی مشغول می‌کنند، به خدایان دروغین سرگرم کرده‌اند. انسان در اصل خداخواه و در واقع خداپرست است.

امیل بورنوف در کتاب علم الادیان می‌نویسد:

«دین همان عبادت است و عبادت یک عمل مزدوج و آمیخته ازدوامر می‌باشد: یکی عملی عقلی است که انسان بوسیله آن وجود نیروی والائی را پذیرا گشته و بدان اعتراف می‌کند، و دیگری عملی قلبی یا عاطفه یا محبت که از راه‌گذار آن به مهر و رحمت این نیرو روی می‌آورد.»^۱

۳- نماز، سفره خدا:

قال رسول الله ﷺ: «الآن الصَّلَاةُ مَأْدَبُهُ اللهُ فِي الْأَرْضِ قَدْ هِنَّاهَا لِأَهْلِ رَحْمَتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ»

آگاه باشید، نماز سفره گسترده خدا در زمین است که خداوند آن را روزی پنج بار برای اهل رحمتش (افراد شایسته رحمت) مهیا و گوارا نموده است.^۲

^۱ (تاریخ الادیان صفحه ۶۱)

^۲ (مستدرک الوسائل جلد ۱ صفحه ۱۷۰)

همچنانکه جسم انسان در هر وعده نیاز به غذا دارد روح آدمی نیز نیازمند به تغذیه است و غذای روح انسان ذکر و یاد خداست و بهترین ذکر، نماز می‌باشد.

و این نیاز به ذکر و یاد خدا از احساسات درونی انسان است که بدون آن انسان احساس کمبود می‌کند.

رویل در کتاب مقدمه تاریخ ادیان می‌نویسد:

«دین یعنی انسان رفتار خود را همگام با درک و احساس خود سازد و درک پیوند و ارتباط با روح خود روح پنهان و اعتراف نماید که روح پنهان نسبت به او و سراسر جهان دارای اقتدار می‌باشد و به هنگام احساس ارتباط با او خویشتن را راضی و شادمان یابد.»^۱

۴- نماز، هدیه الهی:

در نماز انسان با خدای خود سخن می‌گوید و در خواندن قرآن خدا با او حرف می‌زند و حقیقتاً لیاقت می‌خواهد که به انسانی ضعیف اجازه هم‌کلامی با خدا داده شود و این نیست جز لیاقت و قابلیت اهل ایمان و موهبت الهی نسبت به آنان. پس اگر کسانی نماز نمی‌خوانند باید به جرأت گفت از زمره افراد نالایق و بی‌قابلیتی

^۱ (تاریخ ادیان صفحه ۶۲)

هستند که ارزش چنین عطیه و هدیه‌ای را ندارند:

قال الرضا (عليه السلام): «الصَّلَاةُ صَلَاةٌ لِلْعَبْدِ بِالرَّحْمَةِ»

نماز عطیه و احسانی از طرف خداوند برای بندگانی است که از راه رحمت و عنایت به آنها بخشیده شده است.^۱

۵- نماز، سلاح مؤمن:

دشمنان دین به توپ و تانک و اسلحه خود علیه دین‌داران افتخار می‌کنند و در صف آرائی‌ها صفوف سلاح نظامی تنظیم می‌کنند ولی مردان دین و مسلمانان واقعی صفوف بهم فشرده نمازشان را صفوفی محکم و استوار می‌دانند و تا کنون ثابت شده است که این صفوف نماز بر صف‌های نظامی برتری دارند، صفوف نماز سال‌های قبل از انقلاب و نمازهای پرصلابت مردم امروز در بیت المقدس و... کارآرایی‌اش بر همگان روشن است.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «الصَّلَاةُ سِلَاحٌ عَلَى الْكَافِرِ»

نماز سلاح مؤمن علیه کافر است.^۲

^۱ (بحار الانوار جلد ۸۴ صفحه ۲۴۶)

^۲ (بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۵۶)

۶- نماز، جواز عبور از صراط:

عبور بر روی پل صراط بستگی به اعمال ما دارد، اگر گرفتار مال مردم یا حق مردم باشیم قدرت عبور از پل صراط را نخواهیم داشت. پل صراط پلی باریک‌تر از مو و تیزتر از شمشیر است و شخص خاطی و اهل خلاف و کسی که حق مردم بر گردن اوست، نمی‌تواند از آن عبور کند و نظر به اینکه نمازگزار مدیون مردم نمی‌ماند در نتیجه از پل صراط به راحتی عبور می‌کند.

قال رسول الله ﷺ «الصَّلَاةُ جَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ»

نماز، جواز عبور از پل صراط است.^۱

۷- نماز، لیاقت حضور:

عالم محضر خداوند است و لحظه لحظه‌ی عمر و زندگی ما در دیدگاه پروردگار عالم است لکن در هنگام نماز حضوری نزدیک‌تر و تقریبی بیشتر داریم. انسان در حین نماز پس از پاکی بدن، دل را به او داده و با زبان دل با او سخن گفته و از او تمنا می‌کند. راه و رسم عبادات را اولیاء دین عِلْمًا و عَمَلًا به ما آموخته‌اند. در احوالات رسول خدا ﷺ آمده است که در میان جمع بود و سخن می‌گفت و

^۱(بحارالانوار جلد ۹۸ صفحه ۱۶۸)

سخن می‌شنید، لکن به محض اینکه وقت نماز می‌شد آن چنان از خود بی‌خود شده و به نماز می‌ایستاد که گویا هیچ‌کس را نمی‌شناسد.

قال رسول الله ﷺ: «أَعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ...»

عبادت کن خدای بزرگ را چنان که گویا او را می‌بینی...^۱

۸- نماز و ولایت اهل بیت:

هر عملی از کوچک و بزرگ باید همراه با محبت اهل بیت عصمت و طهارت باشد که در روایات آمده است: حجّ بی‌ولایت مقبول و کامل نیست و از همه مهمتر گفته‌اند: اسلام بی‌ولایت اهل بیت پذیرفته نیست.

قال رجل لزين العابدين (عليه السلام) «ما سبب قبولها؟ قال: ولايتنا و

البراءة من أعدائنا»

شخصی از امام سجاد (علیه السلام) سؤال کرد ملاک قبولی نماز چیست؟ امام فرمود: ولایت ما و برائت از دشمنان ما.^۲

^۱(نهج الفصاحه صفحه ۲۶)

^۲(بحار الانوار جلد ۸۴ صفحه ۲۴۵)

۹- نماز و اجتناب از لقمه حرام:

از آنجا که قرآن گفته است نماز انسان را از کارهای ناپسند باز می‌دارد و بدترین کار ناپسند، تعدی و تجاوز به مال مردم است، باید دانست که لباس حرام، مکان حرام و لقمه حرام موجب می‌شوند که نماز انسان پذیرفته نشود و چنانکه می‌دانید در احکام گفته‌اند: اگر چنانچه در لحظه آغاز نماز در اوّل وقت شخص طلبکار به سراغ انسان بیاید و طلبش را مطالبه کند، شخص نمازگزار باید از فضیلت اوّل وقت بگذرد و حقّ الناس را بپردازد و سپس مشغول نماز شود. از این حدیث می‌توان به اهمیّت حقوق مردم پی برد که در اسلام چه اهمیّتی به آن داده شده است.

قال رسول الله ﷺ: « مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ
أَرْبَعِينَ لَيْلَةً... »

کسی که لقمه ای از حرام بخورد تا چهل شبانه روز نماز او قبول نمی‌شود و...^۱

۱۰- نماز و احترام به والدین:

نماز مظهر شکر مُنعم و قدردانی از صاحب نعمت است در آیاتی

^۱ دارالسلام نوری صفحه ۲۱۳



از قرآن مجید آمده است که پس از پرستش خدا نیکی به پدر و مادر نمائید اگر بناست در حین نماز حقی از کسی به گردن نباشد حق والدین نیز حق مهممی است که باید رعایت شود، اگرچه نمی‌توان حقوق آنها را بطور کامل ادا کرد لکن موجبات غضب آنها را نباید فراهم نمود.

قال الصادق عليه السلام: «مَنْ نَظَرَ إِلَىٰ آبَوَيْهِ نَظْرَ مَاقِتٍ، وَهُمَا ظَالِمَانِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً»

هر که به پدر و مادر نگاه تند و خشم آلود کند، اگرچه آنها به وی ستم کرده باشند خداوند نمازی از او را نمی‌پذیرد.^۱

۱۱- نماز و احترام به حقوق دیگران:

برای نمازگزار باید مکانی که بر روی آن به نماز می‌ایستد و آبی که با آن غسل می‌کند و وضو می‌گیرد، ظرفی که آب غسل در آن قرار دارد، لباسی که می‌پوشد و با آن به نماز می‌ایستد و... همه و همه مباح و حلال باشد. چنین نمازی به یقین بازدارنده از بدی‌ها و گناهان است، حال اگر شخصی را دیدیم که نماز می‌خواند و مال مردم را هم می‌خورد، باید گفت نمازش نماز نیست و نماز باطل

^۱ (جامع السادات جلد ۲ صفحه ۳۵۱)

ثمره‌ی نماز صحیح را ندارد همچنانکه داروی فاسد شده خاصیت خود را از دست می‌دهد و چه زیان و ضرر بدی است که انسان چندین سال نماز بخواند لکن خاصیت نماز را نداشته و باطل باشد!

قال الصادق علیه السلام: «وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيُؤْتِي عَلَى الرَّجُلِ خَمْسُونَ سَنَةً، وَمَا قَبَّلَ اللَّهُ صَلَاةً وَاحِدَةً فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ هَذَا؟!»

قسم به خدا، اگر از زندگی انسان پنجاه سال بگذرد (و نماز خوانده باشد) ولی خداوند یک نماز او را قبول نکند چه چیزی از این سخت‌تر است!

۱۲- نماز و ملاک قبولی آن:

با اینکه خود نماز ملاک قبولی اعمال دیگر است که گفته‌اند اگر نماز پذیرفته شد بقیه اعمال قبول است و اگر رد شد بقیه نیز مردود خواهد بود لکن برای قبولی خود نماز نیز شرایط و ملاکاتی است در حدیثی از امام صادق علیه السلام است که فرموده‌اند: اگر می‌خواهید بدانید آیا نمازتان پذیرفته درگاه خداوندی هست یا نه با این آزمون امتحان کنید که این نماز شما را از کارهای بد منع کرد یا نه؟ پس به هر میزان که شما را از کارهای زشت بازداشت، به

^۱(میزان الحکمه جلد ۵ صفحه ۳۸۷)



همان میزان پذیرفته است و در سخنی دیگر از آن امام بزرگوار ملاک قبولی نماز چند چیز می باشد.

قال الصادق عليه السلام: «قال الله تبارك وتعالى: إِنَّمَا أَقْبِلُ الصَّلَاةَ لِمَنْ تَوَاضَعَ لِعَظْمَتِي وَيَكْفَى نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَجَلِي وَ يَقْطَعُ وَلَا يَتَعَاطَمُ عَلَي خَلْقِي وَيُطْعِمُ الْجَائِعَ وَيَكْسُو الْعَارِيَ وَ يُرْحَمُ الْمُصَابَ وَيُؤْوِي الْغَرِيبَ...»

خداوند متعال فرمود: نماز کسی را می پذیرم که:

- ۱- در مقابل عظمت من خاضع باشد.
- ۲- از خواسته های نفسانی به خاطر من خودداری کند.
- ۳- روز خود را با یاد من به پایان ببرد.
- ۴- بر بندگان فخر و بزرگی نفروشد.
- ۵- به گرسنه غذا بدهد.
- ۶- برهنه را بپوشاند.
- ۷- به مصیبت دیده مهربانی کند.
- ۸- غریب را پناه دهد.^۱

^۱(بحار الانوار جلد ۸۴ صفحه ۲۴۲)

آنچه گذشت در فرهنگ و کلاس نماز موجود است یعنی اهل نماز واقعی اهل عفو و اغماض، اهل عاطفه و محبت و اهل خضوع و نفس‌کشی می‌باشند.

مؤمنان واقعی در حین نماز در فکر دنیا و تعلقات دنیوی نیستند. شرط قبولی نماز هم همین است که انسان در آن لحظه از همه چیز دل برد و بداند که چه می‌گوید و با که سخن می‌گوید.

می‌گویند دوشتر را به رسول خدا ﷺ هدیه دادند، رسول خدا ﷺ یکی از دو شتر را قرار داد برای کسی که دو رکعت نماز بخواند و چیزی از امور دنیا را به خاطر نیاورد. کسی به حضرت پاسخ مثبت نداد یعنی کسی را توان خواندن چنین نمازی نبود، علی (علیه السلام) که این نماز را با این شرط خواند رسول خدا ﷺ هردو شتر را به او بخشید.^۱

۱۳- نماز و شرایط کامل:

برای نماز کامل شرایطی تعیین شده که از آن جمله است شرایط قبولی مانند داشتن اعتقاد، زیرا اعتقاد به منزله شالوده است و نماز به منزله بنا و ساختمان و حتی در ساختن مسجد که مصلاهی نماز است، شرط ایمان به خدا و روز قیامت آورده شده است.

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»

^۱ (کافی جلد ۱ صفحه ۴۳۰)



کسانی مسجد خدا را تعمیر می‌کنند که ایمان به خدا و معاد داشته باشند.^۱

علاوه بر شرایط اعتقادی، شرط سیاسی یعنی ولایت است که فرموده‌اند:

«فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا»

هر کس ولایت و رهبری ما را نپذیرد خدا هم اعمال او را قبول نمی‌کند.^۲

شرایط اجتماعی یا خانوادگی نیز از شرایط کمال نماز و عبادت ما محسوب می‌شوند.

۱۴- اطاقی جهت نماز:

در سیره پیشوایان معصوم دین علیهم‌السلام می‌خوانیم که در خانه خود محلی و حجره‌ای مخصوص اقامه نماز داشته‌اند و به ما هم سفارش کرده‌اند که چنین کنیم.

قال الصادق علیه‌السلام: «كَانَ لَعَلِيٍّ عليه‌السلام بَيْتٌ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا قَرَأَشُ وَ سَيْفٌ وَ مِصْحَفٌ وَ كَانَ يُصَلِّي فِيهِ»

^۱(توبه ۱۸)

^۲(کافی جلد ۱ صفحه ۴۳۰)

علی علیه السلام در خانه خود اطاقی داشت که در آن غیر از فرش و شمشیر و قرآن چیز دیگری نبود و در آن اطاق نماز می خواند.^۱

۱۵- همراهی نماز با کار:

برخی در کار و کوشش تلاش فراوانی دارند و عده‌ای به همان کار مغرور می شوند و همان تلاش خود را از عبادات برتر می شمردند و تعبیرشان این است که باید به دنبال نان و آب بود و عبادت که برای انسان آب و نان نمی شود!

ولی در فرهنگ پیشوایان معصوم علیهم السلام کار و تلاش در کنار عبادات واجب و مستحب قرار داشته اند.

قال الباقر علیه السلام «گما کان یفعل امیر المؤمنین علیه السلام کان له خُسماء نخلة و کان یصلی عند کل نخلة رکعتین»

امام باقر علیه السلام نقل می کند: که امیر مؤمنان علیه السلام پانصد درخت خرما کاشت و در زیر هر نخلی دو رکعت نماز به جا می آورد.^۲

^۱ (سفینه البحار جلد ۱ صفحه ۴۷۰)

^۲ (وسائل الشیعه جلد ۳ صفحه ۴۷۴)

۱۶- نماز و نجات از ناراحتی:

اهل نماز واقعی در حال نماز از کلّ دنیای مادی قطع رابطه می‌کنند و دنیا و آنچه در آن هست را در مقایسه با عبادت کم ارزش و بی‌قیمت می‌دانند و در نتیجه گرفتار هم و غم دنیای مادی نمی‌باشند و اگر گه‌گاهی برایشان ناراحتی پیش بیاید از نماز کمک می‌گیرند.

قال الصادق علیه السلام «كان على عليه السلام: اذا هاله شيء فزع الى الصلوة ثم تلى هذه الآية «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»

روش علی علیه السلام این بود که وقتی مشکلی پیش می‌آید به نماز پناه می‌برد ناراحتی خود را به طریق نماز علاج می‌نمود و آیه «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» را تلاوت می‌کرد.^۱

۱۷- رعایت ضعیفان در نماز جماعت:

در نمازی که به صورت جماعت برگزار می‌شود دستور پیشوایان دین بر این است که سریع خوانده شود تا اگر افراد ضعیفی در نماز شرکت کرده‌اند اذیت نشوند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌گوید: در آخرین لحظه‌ای که از محبوبم

^۱ (وسائل الشیعه جلد ۵ صفحه ۲۶۳)

رسول خدا ﷺ جدا شدم به من فرمود: یا علی! چون با مردم نماز خواندی نماز ناتوان ترین کسی که در پشت سر تو قرار دارد را بجای آور.^۱

۱۸- دینداری بی نماز بی دینی است:

عده‌ای می‌گویند ما مسلمانیم ولی نماز نمی‌خوانند. آنان با حرف‌هایی دل خود را خوش دارند که ما به امور مردم می‌پردازیم و کمک به محرومین می‌کنیم و دل ما پاک است ولذا نماز لازم نیست اینان باید بدانند که نماز پایه دین، پرچم دین، چهره دین، میزان سنجش افعال و معیار قبولی اعمال است.

قال رسول الله ﷺ: «مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»

رسول خدا فرمود ﷺ: منزلت نماز برای دین مانند سر برای بدن است.^۲

۱۹- نماز بدون حضور قلب:

انسان وقتی به حضور بزرگی می‌رسد تمام حواسش را جمع

^۱ (محرّجۃ البیضا جلد ۲ صفحه ۱۲)

^۲ (کنز الاعمال جلد ۷ صفحه ۳۰۰)



سخن و کلامش می‌کند در سیره بزرگان دین توجّه در حین نماز آن چنان عمیق بوده که تیر از پای امام می‌کشند و متوجّه درد آن نمی‌شود، میزان قبولی نماز ما بسته به میزان توجّه ما به عمق آن است.

۲۰- نماز اوّل وقت:

برای کسی که مفهوم لذّت حضور ثابت است هرگز این لحظه حضور را به تأخیر نمی‌اندازد و هیچ لذتی جای آن را نمی‌گیرد.
در معارف دینی گفته‌اند:

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَءَاخِرُ الْوَقْتِ غُفْرَانُ اللَّهِ»

نماز اوّل وقت موجب خوشنودی خدا و آخر وقت را خدا با مغفرت و غفرانش باید قبول نماید.^۱

قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا»

فضیلت اوّل وقت بر آخر وقت همانند فضیلت آخرت بر

^۱ (من لا يحضره الفقيه جلد ۱ صفحه ۲۱۷)

دنیاست.^۱

۲۱- بازدارندگی نماز از زشتی‌ها:

نماز بازدارنده از بدی‌ها و منکرات است چراکه اولین شرط برای صحت نماز، حلال بودن لباس و مکان است و درباره کمال نماز، اولین شرط آن اجتناب از لقمه حرام و غذای مشکوک می‌باشد. علاوه بر اینها که گفته شد نماز ارتباط با خداست و محتوای نماز سازنده‌ی اخلاق می‌باشد.

از دست جوانی به پیامبر ﷺ شکایت کردند که مرتکب خلاف می‌شود، حضرت سؤال فرمود: آیا نماز می‌خواند و خلاف هم می‌کند؟ گفتند: بلی فرمود: مطمئن باشید که همین نماز روزی او را از کار خلاف باز خواهد داشت.

درباره خاصیت نماز صحیح گفته‌اند: نماز کامل و درست به همان میزان که کامل است، ناقصی‌ها و بدی را از انسان دور می‌کند.

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَمْ تَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا»

^۱ کنز العمال جلد ۷ صفحه ۴۱۳

هر که را نماز از کارهای زشت باز ندارد، جز دوری از رحمت خدا چیزی نصیب او نگردد.^۱

عن جابر قال: «قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِنَّ فُلَانًا يُصَلِّي بِالنَّهَارِ وَ يَسْرِقُ بِاللَّيْلِ؟ فَقَالَ: إِنَّ صَلَوَتَهُ لَتَرُدَّعَهُ»

جابر می‌گوید: به رسول خدا ﷺ عرض شد فلان شخص روزها نماز می‌گزارد و شبها دزدی می‌کند! فرمود: مسلماً نمازش وی را از این کار زشت باز خواهد داشت.^۲

۲۲- سرسری شمردن نماز:

شاید افرادی باشند که در برخی از مواقع نماز با دقت و اول وقت می‌خوانند، لکن مواقعی را به عنوان اینکه کار دارند، مسافرنده، مجلس عروسی دارند و از این قبیل بهانه‌ها نسبت به نماز کم‌اعتنایی می‌کنند که این خود سهل‌انگاری و سرسری شمردن نماز است و همان استخفافی است.

قال رسول الله ﷺ «لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ...»

کسی که نماز خویش را سبک بشمارد از من نیست^۳

^۱ (المیزان جلد ۱۶ صفحه ۱۴۸)

^۲ (نورالقلین جلد ۸۱ صفحه ۳۳۹)

^۳ (عیون الاخبار جلد ۲ صفحه ۲۸)

۲۳- با تصوّر آخرین نماز:

اجل انسان برای خود انسان و برای هیچ کس دیگر غیر از خدا مشخص نیست و به قول قرآن مجید انسان نمی‌داند که کی و در کجا می‌میرد، حال اگر این حالت یعنی لحظه مرگ در حال نماز پیش بیاید لحظه خوبی است و توأم با سعادت لکن چگونه نمازی؟ به همین خاطر است که گفته‌اند: انسان باید با تصوّر اینکه این آخرین نماز او است بخواند.

قال علی عليه السلام: «إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلْيَصِلْ صَلَاةَ مُوَدِّعٍ»^۱
 زمانی که یکی از شما به نماز می‌ایستد باید چون نماز شخص وداع کننده نماز بخواند.^۱

۲۴- اولین نماز گزار بعد از پیامبر که بود؟

نماز یعنی شعار بلند توحید که همیشه ارزشمند است لکن در دورانی که به غیر از کفر و بت پرستی چیزی رواج و ارزش نداشت، اقامه این فریضه الهی ارزش والاتری داشته و علی بن ابی طالب عليه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله اولین و بهترین اقامه کننده نماز است که حتّی به تعبیر برخی از بزرگان دین «بِعَلَى قَامَتِ الصَّلَاةُ»

^۱(بحار الانوار جلد ۸۱ صفحه ۳۳۹)

به وسیله علی علیه السلام نماز بپا داشته شد.

آری در آن روزی که عبادت‌کنندگان کم بودند و همان عدّه کم هم در جمع کفار گم بودند و افرادی به دلیل قرائت نماز کتک می‌خوردند علی علیه السلام نه تنها نماز خواند که نماز را بپا داشت.

قال علی علیه السلام: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلَ مَنْ أَنَابَ وَسَمِعَ وَأَجَابَ لَمْ يَسْبِقَنِي إِلَّا رَسُولَ اللَّهِ بِالصَّلَاةِ»^۱

خدایا من اولین کسی بودم که به سوی تو آمدم و ندای اذان تو را شنیدم و اجابت گفتم و کسی غیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز بر من سبقت نگرفت.

۲۵- اولین واجب الهی چیست:

در دنیا اولین تکلیف انسان‌ها نماز است و در آخرت اولین سؤال قیامت از نماز می‌باشد.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أَوَّلَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِي الصَّلَاةُ الْخَمْسُ...»^۲

اولین چیزی که خداوند بر امت من واجب کرد، نمازهای

^۱(نهج البلاغه خطبه ۱۳۱)

^۲(کنز العمال ج ۷)

پنجگانه است و...

۲۶- اولین علامت ایمان:

ایمان، آثار و علائمی دارد که اولین علامتش همانا نماز است.
قال رسول الله ﷺ: «يَا عَلِيُّ لِمُؤْمِنٍ ثَلَاثٌ عِلَامَاتٍ: الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالصِّيَامُ»

مؤمن سه علامت دارد: ۱- خواندن نماز ۲- پرداختن زکات ۳- گرفتن روزه^۱

۲۷- نسبت نماز به دین همچون سر به بدن است:

در روایات پیشوایان دین از نماز تشبیهات جالبی شده است از قبیل اینکه به چشمه آب گرم و نیز چشمه آب جاری و ستون و عمود خیمه و امثال اینها که ما در اینجا به یکی از این تشبیهات اشاره می‌کنیم و آن هم تشبیه سر نسبت به بدن است.

قال رسول الله ﷺ: «مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»

^۱(مکارم الاخلاق صفحه ۳۳)

مقام نماز نسبت به دین همچون مقام سر نسبت به بدن است.^۱
۲۸- ثمرات نماز از نظر قرآن و حدیث:

الف: نهی از بدی:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»

نماز انسان را از پلیدی‌ها باز می‌دارد.^۲

ب: آرامش دل:

«أَقْرَبِ الصَّلَاةِ لِذِكْرِي»

نماز را بپا دار برای یاد من و در آیه‌ای داریم که «الابذکر الله

تطمئن القلوب» آگاه باشید که با یاد خدا دل آرام می‌گیرد.^۳

ج: پاکی:

«وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ»

نماز را بپا می‌دارند و کسانی که زکات می‌پردازند.

^۱ (کنز العمال)

^۲ (عنکبوت ۴۵)

^۳ (طه ۲۴)

د: بشارت الهی:

«وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَنَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»:

و نماز را بپا بدارید و به مؤمنان بشارت دهید.^۱
 ثمرات دیگری از قبیل افزایش عمر، پذیرش دعا، پذیرش اعمال دیگر، برکت در عمر و روزی و نورانیت قبر، رحمت الهی، سهولت حساب قیامت، و مرگ با عزت و تقرب به خداست و... نیز از ثمرات نماز است که در روایات آمده است.

۲۹- امتحان شیعه با نماز اول وقت:

شیعه در لغت به کسی که پیروی می‌کند می‌گویند و ما که شیعه ائمه دین هستیم باید در این امر مهم از آنها پیروی نماییم، در حالات پیامبر اکرم اسلام ﷺ آمده است که در جمع نشسته بودند و با هم صحبت می‌کردند تا صدای اذان بگوش می‌رسید، حرکت کرده گویا دیگر هیچکس را نمی‌شناخت و به نماز می‌ایستاد.

قال الصادق (عليه السلام) «امتحنوا شيعتنا عند مواقيت الصلوة

كيف محافظتهم عليها»

شیعیان ما را در اوقات نماز آزمایش کنید که چگونه بر خواندن

^۱(یونس ۸۷)

نماز در موعد مقرر محافظت می‌کنند.^۱

۳۰- نماز یا در زدن:

نیازمند بی نیاز احتیاج دارد و ما از آن جمله نیازمندی هستیم که وابسته به فیض دائمی او می‌باشیم که اگر یک لحظه عنایتش را از ما دریغ نماید وجود ما به نابودی خواهد گرائید و نماز در پیشگاه خدا ابراز نیاز کردن و در زدن است.

قال رسول الله ﷺ «إِنَّ الْمُصَلِّيَ لَيَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ وَإِنَّهُ مَنْ يَدْمُرُ قَرْعَ الْبَابِ يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ»

همانا نمازگزار درگاه الهی را می‌کوبد و هر که پیوسته دری را بکوبد عاقبت به روی او باز می‌شود.^۲

حلقه آن در هر آن کو می زند

بهر او دولت سری بیرون کند

۳۱- نماز گزار خوشبخت‌ترین مردم:

خوشبختی را به مال و منال دنیا و یا داشتن تعلقات مادی می‌دانند در حالی که در واقع چنین نیست.

^۱(سفینه البحار)

^۲(بحار الانوار)

قال رسول الله ﷺ: «أَغْبَطُ النَّاسَ عِنْدِي مُؤْمِنٌ خَفِيفُ الْحَادِوِ ذُو حِطِّ مِّنْ صَلَاةٍ»

خوشبخت‌ترین مردم در نظر من مؤمنی است که متعلق‌اتش کم و از نماز بهره‌مند باشد.^۱

۳۲- یک نماز قبول شده:

در روایات داریم که دو رکعت نماز با توجّه موجب تخفیف واقعی عذاب انسان در قیامت می‌شود و از آن بالاتر در حدیثی است که دو رکعت یا یک نماز مقبول با شرایط، عذاب را از انسان دور می‌کند.

قال الصادق (عليه السلام): «مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ»

کسی که خدا یک نماز از او بپذیرد عذابش نمی‌کند.^۲

۳۳- نماز با تعقل:

دین ما دین تعلق است و در همه عباداتش به تفکر و به کاراندازی عقل سفارش شده است و در میان ملاک‌های قبولی نیز ملاک توجّه به عمق عبادت و ملاک تعقل، زیاد مورد عنایت

^۱(نهج الفصاحه صفحه ۳۲۱)

^۲(من لا يحضره الفقيه)



بزرگان دین می باشد.

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّمَا يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ

منها»

آن قسمتی از نماز بنده قبول می باشد که بر اساس تعقل و آگاهی باشد.^۱

۳۴- دزدی از نماز ممنوع:

در احادیث آمده است که اگر شخص نمازگذار بداند که چگونه در حال نماز مشمول رحمت الهی می باشد هرگز حاضر نیست از حال نماز خارج شود. حال در مقایسه با این گونه نمازهای با حال و با توجه برخی نمازشان را ناتمام و ناقص انجام دهند و با عجله و شتاب از آن می گریزند و حتی افعال آن ناقص صورت می گیرد و در حقیقت نمازشان، نماز چوب خطی است که به صورت یک عمل اجباری انجام می دهند.

قال رسول الله ﷺ: «أَسْرَقُ السُّرَاقُ مَنْ سَرَقَ مِنْ صَلَاتِهِ يَعْنِي

لَا يَتَمَّهَا»

دزدترین دزد کسی است که از نمازش می دزدد یعنی آن را

^۱(محجة البيضاء)

کامل بجا نمی‌آورد.^۱

۳۵- نماز با نان حرام ممنوع:

یک لقمه حرام تا مدت چهل روز از فضیلت نماز انسان می‌کاهد.
 قال رسول الله ﷺ: «الصلاة مع أكل الحرام كاللبناء، على الرمل»
 نماز حرام خواران مثل بنای ساختمانی است که بر روی رمل و
 ریگ بنا شده باشد.^۲

۳۶- جفاکارترین افراد:

اگر با عزت و احترام به یک مهمانی دعوت شدیم و بدانیم که
 دعوت کننده کریم است و دعوتی توأم با عزت است ولی نپذیریم
 به یقین در این صورت باید خود را ملامت کنیم چرا که این خود ما
 هستیم که پشت پا به اقبال خویش زده‌ایم.

قال رسول الله ﷺ: «الجفاء كلُّ الجفاء والكفر من سمع
 منادى الله تعالى بالصلاة ويدعوه إلى الفلاح فلا يجيبه»

علامت جفاکاری و کفر آن است که انسان ندای منادی خدا را
 بشنود که مردم را به نماز دعوت می‌کند پس آن دعوت را اجابت

^۱(مستدرک الوسائل جلد ۳ صفحه ۳۵)

^۲(بحار الانوار جلد ۷۵ صفحه ۲۵۸)

نکند! ^۱

۳۷- سبک شمردن نماز و تضييع حقوق:

می‌گویند کسی که حاضر شود نمازش را از دست بدهد و سر تسلیم در پیشگاه خدای بزرگ فرود نیاورد به یقین در اعمال دیگر بیشتر سهل انگاری خواهد نمود و حقوق دیگر را بیشتر ضایع خواهد کرد و نیز گفته شده که امام صادق (علیه السلام) در آخرین لحظه‌های عمر مبارکش که در بستر بود اقوام و خویشان خود را جمع کرد و چنین فرمود: «لَا تَنَالَنَّ سَفَاعَتُنَا مَنْ اسْتَحَفَّ بِالصَّلَاةِ»

شفاعت ما به کسی که نمازش را سبک بشمارد نمی‌رسد. ^۲

۳۸- هشت نماز غیرمقبول:

نماز شرایطی دارد گاهی این شرایط، صحت نمازند و گاهی شرایط کمال آن. پاکی بدن و لباس و داشتن وضو و داشتن توجه کافی و حضور قلب و امثال اینها شرایط کمال آن به حساب می‌آیند در یک روایت از رسول اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است که نماز شخص شرابخوار تا مدت چهل روز پذیرفته نیست. البته تکلیف این است

^۱ (نهج الفصاحه حدیث ۱۲۸۳)

^۲ (وسائل الشیعه صفحه ۱۹)

که همان شخص شرابخوار نمازش را بخواند منتهی باید بداند که به خاطر گناه شراب نمازش آن مقبولیت لازم را نخواهد داشت نه اینکه باطل باشد.

هشت نماز را گفته‌اند از فضیلت واقعی نماز برخوردار نیستند.

قال رسول الله ﷺ: «يا علي! ثمانية لا يقبل الله لهم صلوة»
پیامبر اسلام ﷺ فرمود: ای علی هشت نفرند که نمازشان مقبول نمی‌باشد.

۱- بنده فراری تا زمانی که نزد مولایش برگردد.

«الْعَبْدُ الْابْقِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مُوَلَاةٍ»

۲- زنی که از شوهرش نافرمانی کند و همسر از او ناراضی باشد.

«وَالنَّاسِرَةُ عَنْ زَوْجِهَا وَهُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ»

۳- و آن کس که زکات ندهد.

«وَمَا نِعَ الزَّكَاةَ»

۴- و آن کس که وضو نگیرد.

«وَتَارِكُ الْوُضُوءِ»

۵- و پیش‌نمازی که مردم از پیش‌نمازی او ناراحتند.

«وَإِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلِّي بِهِمْ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ»



۶- و شخص مست:

«وَالسُّكْرَانَ وَالْجَارِيَةَ الْمَدْرُكَةَ تُصَلِّي بِغَيْرِ خِمَارٍ»

۷- و بدون روسری: دختر بالغی که بی روسری نماز بخواند.

۸- کسی که بول و غائط خود را بزور نگهدارد و نماز بخواند.

«وَالزَّنْبِينَ وَهُوَ الَّذِي لَا يُدْفِعُ الْبَوْلَ وَالْغَائِطَ»^۱

۳۹- کسالت و خواب آلودگی و بازی در نماز:

در حال خواب آلودگی انسان متعادل نیست در حال گرسنگی و تشنگی زیاد هم انسان به خوبی نمی‌تواند بفهمد که چه می‌کند یا چه می‌گوید و در زمانی که محصور است یعنی نیاز به تخلیه دارد نیز نخواهد توانست به خوبی درک کند. محتوای نماز را و لذا گفته‌اند: تمام شرایط جمع بودن حواس باید در شخص فراهم آید تا نمازی مقبول آید در آن باشد.

قال علی عليه السلام: «لَا يَعْْبَثُ أَحَدُكُمْ بِلِحْيَتِهِ فِي الصَّلَاةِ وَلَا بِمَا

يَشْغَلُهُ عَنْهَا»

در نماز با ریش خود بازی نکنید و به کاری که شما را مشغول

^۱(مکارم اخلاق)

می‌کند نپردازید.^۱

✦ ۴- اگر قدر نماز را بدانیم:

بهترین حصار محکم از شرّ شیطان و نفس اماره نماز است عالی‌ترین حربه‌ای که برای راندن شیطان بکار گرفته می‌شود و بهترین مایه‌ی تقربّ به خداوند نماز است. اگر این همه ثمرات نماز بر کسی روشن باشد، با توجّه و عنایت، نماز را خواهد خواند.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

«لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنَ الرَّحْمَةِ لَمَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ

السُّجُودِ»

اگر نمازگزار بداند که چه سایه رحمتی در حال نماز او را احاطه می‌کند و چه اندازه از رحمت خدا او را شامل است، هرگز سرش را از سجده بر نخواهد داشت.^۲

^۱ (تحف العقول صفحه ۱۶۸)

^۲ (نهج البلاغه)

شرایط نماز کامل:

آنچه که گذشت کلاً شرایط قبولی اعمال بودند لکن در اعمال آدمی چیزی بیش از اینها هم هست و آنها هم نیز بر کمال عبادت می‌افزایند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- مشکل‌تر باشد:

در اعمال عبادی گفته‌اند: هر عملی که مشکل‌تر است، ارزش و فضیلتش بیشتر می‌باشد.

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا» بهترین اعمال، سخت‌ترین آنهاست.

۲- با بصیرت و اندیشه باشد:

مسئماً دین اسلام دین آگاهی و بینش است و تفکر و اندیشه از سرمایه‌های مهم این آئین مقدس است.

قال علی عليه السلام: «أَلَا خَيْرٌ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ»

عبادت بدون بصیرت و فکر بی ارزش است.^۱

۳- همراه عجب و خود بزرگ بینی نباشد:

یکی از آفت‌های اعمال انسان، عجب و خودبینی است. انسان

^۱(اصول کافی جلد ۱ صفحه ۳۶)

اگر به اعمالش مغرور شود، این غرور مایه‌ی تباهی و فساد اعمال او خواهد بود لذا در دعای ولیّ خدا، امام زین العابدین (علیه السلام) می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ عَبَّدَنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ»

خدایا به من توفیق عبادت بده و عبادتم را با عُجب تباه مساز.^۱

نماز در مکتب معصومان (علیهم السلام)

پیشوایان معصوم (علیهم السلام) در همه امور مقتدای مردمند و تا دامنه قیامت امت‌ها با امامان خویش همراه خواهند بود و به قول قرآن مجید:

«يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»

روزی که هر مردمی را با امامشان فرا می‌خوانیم.^۲

نماز از جمله اعمال عبادی دین است و در نماز نیز الگوی ما ائمه هستند. نمازی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌خواند و نمازی که امیرمؤمنان (علیه السلام) بجای می‌آورد، برای ما درسی عملی است. بد

^۱(دعای مکارم الاخلاق)

^۲(اسراء ۷۱)

نیست به سیره صالحان درباره نماز اشاره کنیم تا در نوع نماز ما مؤثر افتد.

نماز صالحان:

۱- از نماز سیر نمی شویم:

نماز عشق به خداوند است و باید عاشقانه خوانده شود که اگر چنین شد خستگی در او نیست. بارها از زبان رسول خدا ﷺ شنیده‌اند که فرمود: «نور چشم من در نماز است.»

قرآن نماز را بزرگ و با عظمت می‌شمارد لکن می‌فرماید:

«این عبادت بزرگ خداوند برای خاشعین یعنی مؤمنان اهل خضوع و خشوع گواراست و دیگران که این خصوصیت را ندارند اظهار ملال و خستگی می‌نمایند.»

قال رسول الله ﷺ: «أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ»

من هرگز از نماز سیر نمی‌شوم.^۱

۲- خضوع رسول خدا در نماز:

نماز مظهر خضوع در پیشگاه خداوند است و لذا در نوع ایستادن در حال نماز و انداختن شانه‌ها و نگاه خاشعانه و در حین سجده به

(امالی صدوق جلد ۲ صفحه ۱۴۱)

زمین افتادن و گریه از خوف خدا از آداب نماز بزرگان دین و سیره مستمره‌ی رسول خدا ﷺ بوده است.

«رُویَ أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ كَانَتْهُ ثُوبٌ مُلْتَقَى»

پیامبر اکرم ﷺ هر وقت در نماز بود گویا جامه‌ای پهن شده بر روی زمین بود.^۱

۳- کمک گرفتن به وسیله نماز:

در تفسیر آیه «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۱ گفته‌اند: بزرگان دین هرگاه در زندگی با مشکلی مواجه می‌شدند از نماز کمک می‌گرفتند و مشکل‌شان بدین‌گونه حل می‌گردید و در سیره انبیاء الهی به طور اعم آمده است که آنها به نماز پناه می‌بردند.

«كَاؤُوا يَفْزَعُونَ إِذَا فَرَّعُوا إِلَى الصَّلَاةِ»

پیامبران خدا چنان بودند که چون دچار نگرانی می‌شدند به نماز پناه می‌بردند.^۲

البته تنها مناجات انبیاء الهی در حال خوف و ترس نبوده بلکه

^۱ (بحار الانوار جلد ۸۴ صفحه ۲۴۸)

^۲ (بقره ۴۵)

^۳ (تفسیر درالمثور جلد ۱ صفحه ۶۷)



گاهی فقط بعنوان سپاس از خداوند در برابر نعمت‌ها نیز به سجده می‌افتادند.

انس بن مالک می‌گوید: رسول خدا ﷺ چنان عبادت می‌کرد که بدنش مانند مشکی خشکیده شده بود. عده‌ای از مسلمانان از باب دلسوزی عرض کردند: چه چیزی شما را اینگونه به عبادت واداشته است؟ با اینکه خداوند شما را بخشیده است و حتی ترک اولی انجام نمی‌دهی؟ در جواب فرمود: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»

آیا من بنده سپاسگزار خدا نباشم؟^۱

۴- نماز علی علیه السلام

علی علیه السلام میزان الاعمال است. آری او در همه جهات زندگی، الگو و ملاک است نماز او، روزه او، جهاد او، حکومت او همه و همه برای امت اسلام میزان و محک می‌باشند. او در خانه‌اش اطاقی را به عنوان مصلی قرار داد و این کار جزء سفارشات اسلام است که مسلمانان در خانه‌هایشان محلی را برای نماز قرار دهند.

قال الصادق علیه السلام: «كَانَ لِعَلِيِّ علیه السلام بَيْتٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ إِلَّا فِرَاشٌ وَسَيْفٌ وَمُصْحَفٌ وَكَانَ يُصَلِّي فِيهِ»

^۱ (در الممثور جلد ۶ صفحه ۷۰)

امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام در خانه‌اش اطاقی داشت که در آن غیر از فرش و شمشیر و قرآن چیز دیگری نبود و در آن اطاق نماز می‌خواند.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام در اواخر عمر شریفشان شبی هزار رکعت نماز می‌خواندند وقتی هنگام نماز می‌رسید رنگ چهره مبارکش تغییر می‌کرد و در حال نماز گاهی چنان مجذوب جذبه‌ی الهی می‌شد که همگان شنیده‌اید تیری که در پای حضرت فرو رفته بود را حضرت فاطمه علیها السلام پیشنهاد کرد که در حال نماز از پایش بیرون بیاورند زیرا او در این حال متوجه هیچ چیزی نمی‌شود.^۲

علی علیه السلام و نماز در بحبوه‌ی جنگ:

در گیراگیر جنگ صفین علی علیه السلام هر لحظه به آسمان می‌نگریست. ابن عباس از امام پرسید چرا این قدر به آسمان می‌نگرید؟ فرمود: مراقب هستم که وقت زوال ظهر و فضیلت نماز اول وقت از دستم نرود! ابن عباس گفت: یا علی در حال جنگ و قتال هستیم باز هم نماز اول وقت این قدر مهم است؟ حضرت

^۱(سفینه البحار جلد ۱ صفحه ۴۷۰)

^۲(محجة البیضاء جلد ۱ صفحه ۳۹۷)

فرمود: مگر برای چه می‌جنگیم؟^۱

در اینجا به کسانی که دم از علی علیه السلام می‌زنند ولی نماز را سبک می‌شمرند، باید گفت: بیائید از علی علیه السلام اخلاص عمل و عبودیت بیاموزید و گرنه به حرمت علی علیه السلام نام علی علیه السلام را نبرید، بگذارید جهانیان علی علیه السلام را از نمازش، اخلاصش، شهامت و جنگجوییش بشناسند و ننگ طرفداری شماها بر چهره و تارک علی علیه السلام ننشینند. علی علیه السلام می‌گوید: از روزی که این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله که «نماز شب نور است» را شنیدم نماز شب را ترک نکردم. این کواء از حضرت پرسید: حتی در لیلۃ الہریر؟ (شب عملیات جنگ صفین) امام فرمود: حتی در آن شب.^۲

علی علیه السلام اولین نمازگزار پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، علی علیه السلام رکوع نمازش را آنقدر طول داد که عرق از ساق پایش جاری و زیر پایش تر می‌گشت!

علی علیه السلام می‌گوید: بار خدایا من اولین کسی هستم که به حق رسیده و آن را شنید و پذیرفت، هیچ کس بر نماز من پیشی نگرفت

^۱(بحارالانوار جلد ۸۳ صفحه ۲۳)

^۲(بحارالانوار جلد ۴۱ صفحه ۱۷)



مگر رسول خدا ﷺ^۱

علی علیه السلام در جنگ صفین ضمن تعلیمات به رزمندگان سفارش می‌کند که:

شما ان شاء الله فردا با دشمن درگیر خواهید شد پس امشب را بیشتر به نماز مشغول باشید و تلاوت قرآن را زیاد نمائید و از خداوند صبر و یاری استقامت و پیروزی بخواهید.^۲

صبر و نماز علی علیه السلام

علی علیه السلام در مسجد در حال نماز بود یکی از خوارج نهروان که مذهب نمایانی لامذهب بودند و خون به دل علی علیه السلام نمودند وارد مسجد شد و برای کنایه و طعنه زدن به علی علیه السلام این آیه را خواند.

«وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ

عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۳

و در حقیقت به سوی تو و به کسانی (از پیامبران) که پیش از تو بودند وحی شده که اگر (به خداوند) شرک ورزی عمل‌های

^۱(نهج البلاغه)

^۲(بحار الانوار جلد ۳۵ صفحه ۱۰۰)

^۳(زمر ۶۵)

خیرت باطل و تباه گردد (پاداش اخرویش ساقط و از قابلیت تجسم در عالم دیگر می‌افتد) و حتما از زیانکاران خواهی بود.

خواست به علی (علیه السلام) بگوید سوابق درخشان تو در اسلام روشن است اما امروز کافر و مشرک شدی و آن سوابق به هدر رفت!! حضرت توجهی به او نکرد لکن آن مرد دوباره آن آیه را تکرار کرد، باز حضرت به نمازش ادامه داد اما او باز آیه را تکرار کرد، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) این آیه را تلاوت فرمود:

«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخَفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوفُّونَ»^۱

صبر پیشه کن که وعده خدا حق است این مردم بی ایمان و ناباور تو را تکان ندهند و سبک نسازند.

بدین ترتیب علی (علیه السلام) هم نمازش را ادامه داد و هم جواب او را داد.^۲

دشمنان علی (علیه السلام) آنقدر بی انصاف بودند که علی (علیه السلام) یعنی نماز مجسم را متهم به بی‌نمازی کردند. علی (علیه السلام) در لیلۃ الهمیر، شب خاطره‌ای جنگ صفین که تاریخ می‌گوید در آن جنگ امیرمؤمنان ۵۲۳ نفر از دشمنان را کشت، به نماز شب ایستاد و با خدای خویش

^۱ (روم ۶۰)

^۲ (نماز چهارده معصوم صفحه ۶۹)

راز و نیاز می‌کرد.^۱

ابی دردا می‌گوید: شبی علی (علیه السلام) را دیدم که در محراب مناجات می‌کرد و جمله جمله‌های زمزمه‌ی او را می‌شنیدم اما در یک لحظه دیدم سخنش قطع شد بر بالینش رفتم گفتم حتماً بی‌هوش شده تکانش دادم مانند تکه چوبی خشک شده بود. دوان دوان به خانه آمدم و به فاطمه (علیها السلام) گفتم، فاطمه فرمود: این تعجب ندارد کار هر شب علی است او نمرده است از خوف خدا مدهوش است.^۲

فاطمه (علیها السلام) و نماز:

در عبادت حضرت زهرا (علیها السلام) سخن زیاد شنیده اید. روایت معروفی که فرموده‌اند فاطمه (علیها السلام) در عبادت آنقدر ایستاد و ذکر گفت تا دو پای مبارکش ورم کرد.

فرزندش امام مجتبی (علیه السلام) فرمود: شب جمعه‌ای را ناظر بودم که مادرم از سر شب تا صبح عبادت کرد و به تمامی مؤمنین و مؤمنات دعا کرد اما از خودش یک کلمه‌ای سخن نگفت سپس عرض کردم مادرم! چرا به خود همانند دیگران دعا نکردی؟ فرمود: اوّل همسایه

^۱ (بحار الانوار جلد ۴۱ صفحه ۱۷)

^۲ (اسرار الصلوة صفحه ۲۱۴)

سپس خانه. «الْجَارُ ثَمَّ الدَّار»^۱

از اینکه زهرا (ع) را چرا زهرا گفته‌اند، امام صادق (ع) فرمود:
بدان دلیل است زمانی که در محراب عبادت می‌ایستاد، نورش برای
اهل آسمان آن چنان می‌درخشید که نور ستارگان برای اهل زمین.

كَانَتْ فَاطِمَةُ (ع) «تَنْهَجُ فِي الصَّلَاةِ فِي خَيْفَةِ اللَّهِ تَعَالَى»

فاطمه (ع) در حال نماز از شدت ترس نفسش به شماره
می‌افتاد.^۲

امام حسن (ع) و نماز:

در حالات امام مجتبی (ع) آمده است که به هنگام نماز تن
مبارکش می‌لرزید و با یاد جهنم، مانند مار گزیده به خود می‌پیچید.^۳
در وضو گرفتن رنگ چهره‌اش می‌پرید و در جواب کسانی که
به ایشان می‌گفتند چرا چنین متغیر می‌شوید؟ می‌فرمود: کسی که
بداند در پیشگاه خدای عالم می‌ایستد باید هم چنین شود.

كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) إِذَا قَامَ الصَّلَاةَ لَيْسَ أَجْوَدَ ثِيَابَهُ

^۱ (علل الشرایع جلد ۱ صفحه ۱۷۳)

^۲ (بحار الانوار جلد ۸۵ صفحه ۲۵۸)

^۳ (بحار الانوار جلد ۸۴ صفحه ۲۵۸)

امام حسن (علیه السلام) هنگام نماز بهترین جامه‌هایش را می‌پوشید.^۱

امام حسین (علیه السلام) و نماز:

امام حسین (علیه السلام) سیدالشهداء است. و ما در زیارت همه شهدا فرداً فرد می‌خوانیم «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ...»
 امام یک شب را از دشمن در کربلا مهلت خواست فقط بخاطر
 علاقه‌ای که به نماز داشت و فرمود:

«فَإِنَّهُ يَعْلَمُ أَحَبُّ الصَّلَاةِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ»^۲

او (خدا) می‌داند نماز را دوست دارم و به تلاوت قرآن
 علاقمندم.

سیدالشهدا در ظهر عاشورا وقتی ابوتمامه صیداوی او را به یاد
 نماز اول وقت انداخت، بهترین دعا را در حق او فرمود و سپس در
 همان جا و همان حال با یاران خویش آخرین نماز را خواند.

این بود نماز در مکتب خمسه طیبه که حرکت و سکون سخن
 و سکوت آنان برای همگان حجت است و خلائق عالم رهروان
 آنهایند و این سیره‌ی پسندیده در حالات تمامی پیشوایان و دیگر

^۱(وسایل الشیعه جلد ۳ صفحه ۳۳۱)

^۲(نفس المهموم)

ائمه دین نیز به چشم می‌خورد که از شرح مفصل آن خودداری می‌کنیم.

در خصوص امام سجاد (علیه السلام) گفته‌اند در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌گذارد و به هنگام نماز بدنش می‌لرزید و رنگش زرد می‌شد و مانند برگ درخت خرما ریشه بر بدنش می‌افتاد.^۱ حتی به هنگام وضو رنگ رخساره مبارکش تغییر می‌کرد.

كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِذَا حَضَرَ الْوُضُوءَ إِصْفَرَ لَوْنُهُ

امام زین العابدین (علیه السلام) زمانی که برای وضوی نماز آماده می‌شد رنگ رخسارش زرد می‌شد.^۲

نماز امام، نمازی عمیق و سازنده است به طوری که به آب وضو که می‌نگرد با دقت می‌نگرد، به آسمان جهت تعیین وقت نماز نگاه می‌کند، مطالعه‌ی آموزنده است. از ایستادنش در پیشگاه خدا برای نماز به یاد ایستادن در قیامت در محضر خدا می‌افتد و خلاصه لحظه لحظه نمازش تفکر و اندیشه و ادب و خوف از خداست.

درباره امام باقر (علیه السلام) نقل است که با ادب در پیشگاه ربوبی به نماز می‌ایستاد و هیچ حادثه‌ای در حین نماز توجه آن حضرت را به

^۱ (بحار الانوار جلد ۸۴ صفحه ۲۴۷)

^۲ (محرّجۃ البیضاء جلد ۱ صفحه ۳۷۸)

خود جلب نمی نمود. امام صادق علیه السلام فرمود:

«كَانَ لِأَبِي ثَوْبَانَ خَشِينَانَ يُصَلِّي فِيهِمَا صَلَاتَهُ»

پدرم دو لباس خشن داشت که با آنها نماز می خواند.^۱

و در مورد سیره امام صادق علیه السلام نیز مانند پدران بزرگوارش گفته اند رنگ و چهره اش تغییر می کرد و روش آن بزرگوار این بود که جز بر خاک کربلا بر خاک دیگری سجده نمی نمود.

كَانَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا يَسْجُدُ إِلَّا عَلَى تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

امام صادق علیه السلام جز بر خاک امام حسین علیه السلام بر خاک دیگری سجده نمی نمود.^۲

نماز در مکتب انبیاء قبل:

خلقت انسان سابقه درازی دارد و عمر فطرت هم زاد اوست و پرستش هم با دعوت فطرت به سراغ انسان آمده است، پس سابقه عبادت و پرستش سابقه ای دیرینه و طولانی است، مظهر عبادت را ما در دوران ظهور انبیاء بزرگوار الهی می بینیم.

^۱ (وسائل الشیعه جلد ۳ صفحه ۳۳۱)

^۲ (وسائل الشیعه جلد ۳ صفحه ۶۰۸)

در شریعت هر کدام از انبیاء خدا، نماز ضروری و مهمّ بوده است. البته در برخی از آئین‌ها مانند مکتب حضرت آدم علیه السلام نماز عصر و مغرب و عشا که مجموعاً پنجاه رکعت بوده را می‌بینیم. و در شرح حال حضرت ادریس علیه السلام که به شغل خیاطی مشغول و در کنار مسجد خیاطی می‌کرد و در مسجد سهله نماز می‌خواند و حضرت صالح برای ارائه معجزه‌اش از خداوند به وسیله خواندن نماز استمداد نمود و در تاریخ حضرت موسی علیه السلام آمده است که وقتی به کوه طور می‌رفت، از سوی خدا دستور آمد، کفش‌هایی را از پا درآورد. خداوند فرمود: من خدای یگانه‌ام، مرا عبادت کن و نماز را بپا دار.^۱

و در ماجرای نجات حضرت یونس علیه السلام از زندان شکم ماهی گفته‌اند منظور از اینکه خدا فرمود: «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ»^۲ یعنی از تسبیح کنندگان نمی‌بود، مدّت مدیدی را باید در زندان بماند، منظور از تسبیح همان نماز است، یعنی اگر او از نمازگزاران نمی‌بود، به این زودی نجات نمی‌یافت.

و در سوره آل عمران درباره عبادت زکریا علیه السلام در محراب

^۱(طه ۱۴)

^۲(صافات ۱۴۳):

می‌خوانیم که در همان حال بشارت فرزندی بمانند حضرت یحیی (علیه السلام) به او داده شد.^۱

و در خصوص حضرت عیسی (علیه السلام) آمده است که در میان گهواره خود را به مردم معرفی می‌نماید که من بنده خدایم که کتابی آسمانی را بر من نازل کرد و مرا پیامبر قرار داد و در هر جائی که باشم مرا مایه برکت قرار داد و به نماز و زکات تا زمانی که جان در بدن دارم توصیه نمود.^۲

در مورد حضرت ایوب (علیه السلام) که صبر او زبان زد خاص و عام است و در طول چند ساعت دردناک‌ترین خبرهای ناگوار را به او دادند و او هم با نماز دلگرم و قوی دل بود و هرگز از هیچکدام از حوادث نلغزید.^۳

پیامبران الهی در دعوت خود مشترکات فراوانی داشته‌اند از جمله دعوت به پرستش خدا و دوری از پیروی نمودن از سلاطین جور و یکی از مشترکات همه ادیان و سیره همه پیامبران الهی دعوت به نماز بوده است، به طوری که اصطلاحاً به نماز لقب

^۱ (ال عمران ۳۸)

^۲ (مریم ۲۹)

^۳ (بحارالانوار جلد ۱۲ صفحه ۳۵۸)

نهج الانبياء داده‌اند.^۱

نکته‌ها:

۱- اگر با دقت به عبادات بنگریم خواهیم دید که هر کدام از آنها از یک عده‌ای با یک عذری برداشته شده است. لکن نماز جمعه در هر شرائطی باید خوانده شود، مثلاً برای مریض اگر چه با اشاره چشم و ابرو هم که شده باید بخواند و مسافر بر روی زمین اسب اگر نتوانست پیاده شود باید همانجا بخواند و شخص در محاصره دشمن باید نماز خوف بخواند.

۲- جهت دیگری که در اهمیّت نماز می‌توان به آن اشاره نمود این است که کودک در ابتدای تولد با زمزمه اذان و اقامه نماز آشنا می‌شود و در طول زندگی گفته‌اند برای رفع گرفتاری‌هایش نماز بخواند^۲ و به هنگام مرگ نیز بر بدن بی جان او نماز می‌خوانند، نماز میّت.

۳- نکته دیگری در اهمیّت نماز اینکه برای هیچ عبادتی به ساختن بنا و ساختمانی مخصوص اهتمام نمی‌ورزند ولی برای نماز جایگاه خاصی با شرایط ویژه‌ای و با داشتن محرابی می‌سازند و به

^۱(تنبيه الخواطر صفحه ۳۲۳)

^۲(بقره ۴۵)

خوبی می‌بینیم که در هر روستایی که خانه‌های خودشان از خشت و گل قدیمی است لکن مساجد تعمیر و تجدید بنا و با آجر و سنگ و به صورتی زیبا ساخته می‌شود و این دلیل بر اهمیّت این فریضه الهی می‌باشد.

۴- یکی دیگر از نکته‌هایی که اهمیّت موضوع نماز را ثابت می‌کند اینست که نماز در عین حال که در اصل یک عبادت بیشتر نیست لکن انواع مختلفی بصورت واجب و مستحبّ در نماز استغاثه در نعمت نماز شکر در بی‌بارانی نماز باران در خوف نماز خوف، درخواستن حاجت نماز حاجت، در عید نماز عید، در شب اول قبر نماز لیلۃ الدفن، در جمعه نماز جمعه، در روزهای هفته نماز مخصوص درباره امامان نمازهای ویژه که با محاسبه‌ای که شده قریب سیصد نوع نماز را از واجب و مستحبّ ذکر کرده‌اند.

۵- نکته‌ای دیگر که در اهمیّت این فریضه بزرگ الهی هست اینکه از ترک کننده‌ی هیچ عبادتی به این صراحت مذمت نشده و از کار او تعبیر به کفر نکرده‌اند ولی کسی که از روی عمد نماز را ترک کند را در سرحدّ کفر دانسته‌اند.

قال الصادق علیه السلام: «لَا حَظَّ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ»

بهره‌ای از دین اسلام ندارد کسی که نماز واجب را ترک

می‌کند.^۱

یا اینکه رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِيَءَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَذِمَّةِ رَسُولِهِ»

هر که نماز را عمداً ترک کند از پناه خدا و پناه پیغمبرش بی‌زاری
جسته است.^۲

۶- آخرین نکته در اهمیت نماز اینکه اولین سؤال روز قیامت در مورد نماز است و در حقیقت نماز در قیامت به منزله کارت ورود است که اگر این عبادت قبول شد، بقیه اعمال قبول و اگر رد شد، بقیه اعمال مردود خواهد بود.

قال رسول الله ﷺ: «لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ»

کسی که نماز خویش را سبک بشمرد از من نیست و بخدا قسم در حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد.^۳

^۱ (بحار الانوار جلد ۳ صفحه ۲۵)

^۲ (بحار الانوار جلد ۶۷ صفحه ۸)

^۳ (سفینه البحار جلد ۲ صفحه ۴۳)

نماز بزرگان:

پس از حضرات ائمه معصومین (علیهم السلام) علماء و بزرگان دین برای ما الگو می‌باشند و آنان که بعضاً آن قدر مراقب اعمال خویش بوده‌اند که عمل مکروهی انجام نمی‌دادند پیشوا و مقتدای ما در دوران غیبت می‌باشند، نماز آنان همچون بقیه اعمالشان برای ما نمونه و اسوه است که به شرح برخی از عبادات و نمازهای این بزرگان می‌پردازیم:

۱- نماز شیخ مفید رحمته:

شیخ مفید از چهره‌های درخشان شیعه است ابوعلی جعفری که داماد شیخ مفید و یکی از شاگردان اوست گفته است که مفید شب‌ها مختصری می‌خوابید و باقی را به نماز یا مطالعه و یا تدریس و یا تلاوت قرآن مجید می‌گذرانید.^۱

۲- نماز ابوعلی سینا رحمته:

ابن خلکان در تاریخ خود در شرح حال شیخ الرئیس ابوعلی سینا می‌نویسد:

وكان إذا أشكلت عليه مسألة تَوَضَّأَ وَ قَصَدَ الْمَسْجِدَ الْجَامِعَ وَ

^۱ (خدمات متقابل صفحه ۴۸۳)

صَلَّى وَ دَعَا اللَّهَ أَنْ يُسَهِّلَهَا عَلَيْهِ وَ يَفْتَحَ مُغْلَقَهَا لَهُ.

چون بر ابوعلی سینا مسأله مشکلی پیش می آمد برمی خاست و وضو می گرفت و قصد مسجد جامع می کرد و نماز می گذارد و خدا را می خواند که آن مسئله مشکل را بر وی آسان کند و آن مسئله بسته و پوشیده را به رویش بگشاید.^۱

۳- نماز ملاحادی سبزواری رحمته:

در شرح حال این حکیم فرزانه نوشته اند: هر شب در فصل زمستان و تابستان و بهار و پائیز ثلث آخر شب را بیدار بود و در تاریکی شب عبادت می نمود و این زمزمه عاشقانه تا طلوع آفتاب ادامه داشت و اول شب هم دو سه ساعت عبادت می کرد...^۲

۴- نماز شیخ انصاری رحمته:

عباداتی که بر او واجب بود را از سن بلوغ تا آخر عمر به خوبی انجام داده و علاوه بر آنها نوافل و مستحبات و نمازهای مستحبی را انجام می داد تعقیب نماز ایشان قرائت یک جزء از قرآن مجید و نماز جعفر طیّار و زیارت جامعه و زیارت عاشورا بطور همیشگی بود^۳

^۱ (مجموعه مقالات صفحه ۱۰۲)

^۲ (مقدمه اسرارالحکم)

^۳ (زندگانی و شخصیت شیخ انصاری صفحه ۹۰)

۵- محدث قمی رحمته و سفارش به نماز جماعت:

محدث قمی رحمته می‌نویسد: من رساله‌ای دیدم که در آن صورت دو اجازه بود از مرحوم کلباسی برای پسرش آقا محمد در آخر یکی از آنها در حاشیه نوشته بود: ... راضی نیستم که ترک جماعت کرده باشید بلکه مبالغه^۱ گفتم یک نماز به غیر جماعت نکنید.

۶- نماز وحید بهبهانی رحمته و ترک نماز جماعت از

ترس ریا:

مرحوم وحید بهبهانی را که استادالکل می‌گویند نقل شده؛ علّت مهاجرتش از شهر بهبهان که بسیار هم در آن شهر مشهور بود بدان دلیل شد که خواجه عزیز کلاتر روزی موقع نماز جماعت به آقا گفت: آقا ببینید بر اثر دستوری که داده‌ام چقدر مردم در نماز شما شرکت کرده‌اند؟! آقا به قدری از این گفته منقلب می‌شود که دیگر نماز جماعت نخوانده به منزل می‌رود و بی‌درنگ عازم عتبات می‌شود و برای همیشه بهبهان را ترک می‌کند تا اینکه از بالای عجب و ریا و تملّق مصون بماند.^۲

^۱(فوائد الرّضویه صفحه ۱۱)

^۲(وحید بهبهانی صفحه ۱۲۱)

۷- ملا عبدالکریم ایروانی رحمته و قصد قربت در

جماعت:

در احوال آخوند ملا عبدالکریم ایروانی که از شاگردان بزرگ صاحب ریاض است آورده‌اند که او امام جماعت نمی‌شد و می‌گفت: در بدو امر مرا به مسجد بردند که نماز جماعت بخوانم پس از چندی کم‌کم جمعیت مأمومین رو به نقصان گذاشت، ملاحظه کردم که از کم شدن مأمومین در نفس من تأثیری ایجاد شد. از اینجا فهمیدم که این نماز جماعت قربه^۱ الی الله نیست و فایده ندارد، از این رو امامت جماعت را ترک کردم.^۱

چهار گروه و نماز:

چهار گروه که در مورد نماز برخوردهای مختلفی دارند که نوع برخوردشان با نماز دلیلی است بر نوع شناخت آنان از حقیقت نماز و آن چهار گروه که سرنوشت آنان نیز در قرآن مشخص شده است، از این قرارند:

۱- سهل انگاری:

جمعی درباره نماز سهل انگاری می‌کنند و یا دیر بجا آورند و یا

^۱(قصص العلماء صفحه ۹۸)

از یاد برده و اصلاً نخوانند که آنان مشمول وعده «وَيْلٌ» که نام یکی از طبقات زیرین جهنم است، می‌باشند.

«فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِيْنَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

پس وای بر نمازگزان است، آنهایی که در نمازشان سهل انگارند و فراموش می‌کنند.^۱

۲- سبک انگاران:

عده‌ای گاهی نماز می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند و حال آنکه سیره‌ی مؤمنان و شاکران این است که علاوه بر نمازهای واجب نمازهای مستحبی می‌خوانند و از نماز خواندن سیر نمی‌شوند و همچنان که نیاز به روزی خدا را همیشگی می‌دانند نیاز به شکر آن را هم در همه اوقات لازم می‌شمارند.

پس آنکه گاهی نماز خوانده گاهی نمی‌خواند مشمول وعده‌ی (عَیٌّ) که نام یکی از طبقات پایین جهنم است خواهد بود:

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ

فَسَوْفَ يُلْقُونَ عَاثًا»

^۱(ماعون ۴-۵)



سپس جانشین آن مردم خداپرست، قومی می‌شوند که نماز را ضایع کرده و از شهوات پیروی کردند و این‌ها به زودی در وادی «غی» که به معنای گمراهی و ضلالت است، افکنده خواهند شد.^۱

۳- بی نمازان:

گروهی هرگز نماز نمی‌خوانند، آنان مستوجب (سَقْر) که آن هم یکی از طبقات پایین و سخت جهنم است خواهند شد، می‌باشند کما اینکه در این آیه شریفه می‌خوانیم:

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»

اهل بهشت از اهل جهنم سؤال می‌کنند، چه چیزی شما را به سقر کشانید؟ گفتند: ما از نمازگزاران نبودیم.^۲

۴- نمازگزاران خاشع:

گروهی همیشه اهل نماز بوده و هستند و همچنان که همیشه خویش را در نعمت الهی غوطه ور می‌دانند، همیشه خود را مدیون الطاف الهی دانسته و در نتیجه در حال شکر منعم می‌باشند آن‌هم با حالت خشوع و خضوع.

^۱(مریم، ۵۹)

^۲(مدثر، ۴۲)

قرآن مجید درباره اینان می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»

مؤمنان رستگار شدند، آن‌هایی که در نمازشان با خشوع هستند^۱

نماز، اولین و مهمترین واجب:

اولین توقّف‌گاهی که انسان در آن مورد بازخواست قرار می‌گیرد، موقف نماز و اولین سوّالی که می‌شود، درباره نماز است. شاید اهمیت آن بدان دلیل است که میزان شعور و درک و میزان حق‌شناسی و نیز میزان مروّت و شخصیت انسان بستگی به خواندن و نخواندن نماز دارد و لذا رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَوَّلُ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِي الصَّلَاةُ الْخَمْسُ وَأَوَّلُ مَا يُرْفَعُ مِنْ

أَعْمَالِهِمُ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ وَأَوَّلُ مَا يُسْأَلُونَ عَنْهُ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ»

اولین چیزی که خداوند بر امت من واجب کرد نمازهای پنجگانه است و اولین عملی که از آنان بالا برده می‌شود و از آنان سؤال می‌شود همانا نمازهای پنجگانه می‌باشد.^۲

^۱(مؤمنون ۱-۲)

^۲(کنز العمال جلد ۷ حدیث ۱۸۸۵۹)



نماز نور است و نجات:

انسان در غیر وقت نماز به نوعی با مادیات سروکار دارد و مشغول امور دنیوی می‌باشد لکن به هنگام نماز از همه دل بریده و به سوی معبود یعنی اوج کمال و دریای بی‌نهایت رحمت الهی وابسته است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ مِنْ حَافِظٍ عَلَيْهِنَّ كَانَتْ لَهُ نُورًا وَرُحَاهَا نَوْبِحَاءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

کسی که بر نمازهای پنج‌گانه محافظت و مراقبت کند، این نمازها برای او در قیامت نور و وسیله‌ی نجات خواهد بود.

نماز در مکتب همه انبیاء:

سنت شکر و سپاس از اول خلقت از فطرت انسان‌ها سرچشمه گرفته و در عمل آدمیان در قالب نماز به شکل‌های مختلف تبلور داشته است. نماز سیره همه‌ی انبیاء الهی بوده است کما اینکه در کلام حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام به صراحت آمده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الصَّلَاةُ مِنْ شَرَايِعِ الدِّينِ وَفِيهَا مَرَضَةٌ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ فَهِيَ مِنْهَا جُ الْاَنْبِيَاءِ»

نماز از آداب (اولیه) دین است و مایه‌ی خوشنودی خدا و راه و روش پیامبران الهی می‌باشد.^۱

لزوم نماز در هفت سالگی:

نماز، سپاس منعم است و این از دستورات عقل است و بلوغ واقعی آنگاه است که انسان خوب را از بد تشخیص می‌دهد. فرزند هفت ساله اگر تحت تربیت صحیحی پرورش یافته باشد در این سنین می‌داند که باید از صاحب نعمت یعنی خدای جهان بخاطر این همه لطف و عنایتش تشکر نمود و بلوغ و رشد فکری پیدا کرده است و شایسته است که نماز بخواند.

قال الباقر عليه السلام: «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَهَرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ»

زمانی که فرزندان ما پنج ساله شدند دستور می‌دهیم نماز بخوانند، پس شما هم وقتی فرزندانتان به هفت سالگی رسیدند، آنها را به نماز دستور دهید.^۲

^۱ (بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۳۳۱)

^۲ (وسایل الشیعه جلد ۳ صفحه ۱۲)

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ:

انسان‌های عاقل به دنبال بهترین عمل و مفیدترین کارها می‌روند تا از عمرشان بهترین بهره را ببرند منادی الهی هر وعده با فریاد بلند در اذان به ما راهنمایی بهترین به عمل می‌کند: حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ بشتابید به سوی بهترین کارها.

قال امیر المؤمنین (علیه السلام): «أوصيكم بالصلاة وحفظها فإنها خَيْرُ الْعَمَلِ وَهِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ»

شما را به نماز و مراقبت از آن سفارش می‌کنم چون که نماز برترین عمل و ستون دین شماست.^۱

حیف از تو که ارباب وفا را نشناسی:

در بسیاری از آیات قرآن مجید بحث تسییح و تقدیس موجودات عالم در پیشگاه خداوند به میان آمده است:

«يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...»

^۱ (بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۲۰۹)

تسبیح او می‌کنند آنچه در آسمان‌ها و زمین است...^۱
 به گفته سعدی چه ناپسند است که مرغ، تسبیح گوی و تو
 خاموش! و نماز، ذکر خدا و تسبیح او است، وقتی حیوان و نبات
 خزنده و چرنده و موجودات ریز و درشت عالم زبان به تسبیح او
 گشوده، سُبْحَانَ اللَّهِ می‌گویند و خروس سحری سُبُوح و قُدُوس
 می‌خواند، چه بی‌ارزش است آن انسانی که از چنین قافله‌ای عقب
 بیفتد!

امیرمؤمنان علیه السلام فرموده لباس و بدن انسان هم ذکر خدا
 می‌گویند:

قال علی علیه السلام «إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ جَسَدَهُ وَثِيَابَهُ
 وَكُلُّ شَيْءٍ حَوْلَهُ يُسَبِّحُ»

هنگامی که انسان مشغول نماز است، بدن و لباس و هر چه
 پیرامون اوست خدا را تسبیح می‌گویند.^۲

نماز، هاله‌ای از رحمت:

زمانی که شخص نمازگزار مشغول نماز و ذکر خداست اطراف

^۱ (جمعه ۱)

^۲ (بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۲۱۳)

او را رحمت بی‌منت‌های خدا احاطه می‌کند، آن قدر این رحمت فراوان است که شیطان بر اثر حسد عذاب می‌کشد:

قال علی عليه السلام: «إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إِلَيْهِ إِبْلِيسُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَسَدًا مَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ»

هرگاه کسی به نماز می‌ایستد شیطان حسودانه به او می‌نگرد، به خاطر آنکه می‌بیند رحمت خدا او را احاطه کرده است.^۱

ترک نماز و جهنم:

درباره ترک نماز از روی عمد تعبیر به منهدم کردن دین و خروج از قلمرو خدا و رسول شده است و نیز در روایات گفته شده شخص بی‌نماز در هنگام جان دادن شاید یهودی و یا نصرانی بمیرد و خلاصه ترک نمودن نماز بدون عذر موجه، اعمال دیگر انسان را نیز تباه می‌کند و مرز بین ایمان و کفر ترک نماز شمرده شده است و نهایتاً سزای بی‌نمازی دخول در جهنم است.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا كَتَبَ اسْمُهُ

^۱(بحارالانوار جلد ۸۲ صفحه ۲۰۷)

عَلَى بَابِ النَّارِ مِمَّنْ يَدْخُلُهَا»

کسی که نماز را عمداً ترک کند بر درب جهنم نامش از جمله جهنمیان نوشته می‌شود.^۱

با تصوّر آخرین نماز، نماز بخوانیم:

زمانی که نماز برای انسان لذت‌بخش بوده باشد و انسان با نشاط و علاقه وارد آن شود مسلماً به زودی نمی‌خواهد از آن جدا شود آری چنین شخصی هرگاه نماز می‌خواند گویا آخرین نماز اوست.

قال على عليه السلام «إذا قام أحدكم إلى الصلوة فليصل صلوة مؤدع»

هرگاه یکی از شما به نماز ایستد باید مانند کسی که با نماز وداع می‌کند نماز بخواند.^۲

اهمیت نماز در مسجد و با جماعت:

در اهمیت نماز جماعت روایات فراوانی داریم، به حدّی که در لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که یک نماز جماعت از چهل سال

^۱(کنز العمال جلد ۷ حدیث ۱۹۰۹۰)

^۲(غررالحکم صفحه ۱۳۹)

نماز در خانه برتر است.^۱

و در سخن دیگری از آن حضرت آمده است که به هر صورتی که هست مؤمنان باید خود را به نماز جماعت برسانند.

قال رسول الله ﷺ: «إِذَا سَمِعْتَ الْأَذَانَ فَاتَّوَلَّ حُبُوباً»

هنگامی که اذان نماز را شنیدی هر چه سریع‌تر به مسجد بیا گرچه به صورت سینه خیز باشد.^۲

ارزش نماز جمعه:

مسلمانانی که در هر وعده از شبانه روز در صفوف نماز جماعت حاضر شده و از حال یکدیگر آگاه می‌شوند و حضور خود را در صفوفی که دشمن از آن هراس دارد اعلام می‌کنند در هفته یکبار نیز به نماز جمعه می‌نشینند و از یکدیگر و نیز از مسلمانان جهان مطلع و آگاه می‌شوند، این مسلمانان هرگز طعم تلخ ذلت و خواری را نخواهند چشید و این حضور در روایات بسیار مورد سفارش و تأکید می‌باشد.

قال الصادق عليه السلام: «مَا مِنْ قَدَرٍ سَعَتْ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ

^۱(وسایل الشیعه جلد ۵ صفحه ۳۷۴)

^۲(کنز العمال جلد ۷ صفحه ۵۴۸)

جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ»

هیچ قدمی نیست که در راه نماز جمعه برداشته شود مگر آن که خدا بدن او را بر آتش حرام می‌سازد.^۱

نماز آگاهانه:

نماز خود مظهر آگاهی و بینش انسان نسبت به جهان آفرین است و این عبادت باید از روی آگاهی و علم انجام گیرد اگرچه خواندن نماز یک تکلیف است و بر عالم و غیرعالم واجب است لکن سازندگی و ارزش واقعی آن بستگی به درک مفاهیم و اذکار آن دارد.

قال رسول الله ﷺ: «رَكْعَةٌ مِنْ عَالِمٍ بِاللَّهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَكْعَةٍ مِنْ مُتَجَاهِلٍ بِاللَّهِ»

یک رکعت نماز کسی که متوجه خدا باشد بهتر از هزار رکعت کسی که از خدا غافل باشد.^۲

نماز مایه تقرب انسان به خداوند است و در عالم فقط خداست

^۱(وسایل الشیعه جلد ۵ صفحه ۳)

^۲(نهج الفصاحه صفحه ۳۵۰)

که لایق ستایش و سجده است و انجام نماز از باب نیاز خداوند نیست زیرا او بی‌نیاز از همه است و همه نیازمند به او می‌باشند «اللَّهُ الصَّمَدُ» و لذا این عبادت باید از ریا و دغل پاک و منزّه باشد و مسلم است که اگر برای مردم نماز خوانده شد مردم باید مزد آنرا بپردازند و این از انسان ضعیفی که سراپا نیاز است بر نمی‌آید.

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ حِينَ يَرَاهُ النَّاسُ تُرَّ أَسَافِهِا حِينَ يَخْلُو فِتْلِكَ اسْتِهَانَةٌ اسْتِهَانٌ بِهَارَبَهُ»

هر که در حضور مردم نماز خویش را نیکو انجام دهد و چون خلوت شد آنرا بد بجا آورد، این اهانتی است که به پروردگار خویش می‌کند.

دلایل پرستش خدا:

راغب در تفسیر خود می‌نویسد:

«ما خداوند عالم را به چهار دلیل ستایش می‌کنیم و در برابر عظمت او سر تسلیم فرود می‌آوریم و عبادتش را به جا می‌آوریم»
 اوّل به این دلیل که او غنی علی‌الاطلاق است، یعنی ذات او بی‌هیچ عیب و نقصی است و صفات او پسندیده و ستوده است و خود می‌فرماید:

«فَاحْمَدُونِي فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ» پس ستایشم کنید که من همانا خداوندم.

دوم آنکه خداوند ما را پرورش می‌دهد و از تمام نعمت‌ها به ما عطا می‌کند که:

«فَإِنِّي أَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ» من ربّ عالمیان هستم

سوم اینکه چشم امید به رحمت و بخشایش او داریم که فرموده:

«فَأَنَا الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» من بخشنده در دنیا و آخرت هستم

چهارم اینکه اگر عصیان کنیم هرگز از عذاب و خشم خداوند ایمن نخواهیم بود، چرا که خود می‌فرماید:

«فَأَنَا مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»^۱ من مالک روز بازپسینم.

صفات نمازگزار:

نمازگزار واقعی یعنی کسی که به خداوند عالم معرفت و شناخت پیدا کرده است و این عبادت و پرستش او به خاطر معرفتش نسبت به خالق عالم می‌باشد پس این نماز در روح و اخلاق او اثر خویش را خواهد گذاشت در اینجا به برخی از صفات و خصوصیات اخلاقی

^۱(تفسیر راغب)

نمازگزاران که از فرهنگ نماز در آنان بوجود آمده است اشاره می‌کنیم:

الف- نمازگزار، حریص و بی‌تاب و مانع خیر نیست:

قرآن مجید سه صفت مذموم را در مورد انسان‌ها می‌فرماید و سپس نمازگزاران را از این صفات منفی و ناپسند مستثنی می‌داند:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزَّوعًا* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا* إِلَّا الْمُصَلِّينَ*»^۱

انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده زمانی که شری به او برسد جزع و بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی و خیری به او برسد مانع خیر از دیگران می‌شود، مگر نمازگزاران.

ب- نمازگزار مال و عقیده و غریزه و عهد و پیمان‌ش حساب دارد:

در دنیائی که ملاحظه حلال و حرام کم شده، عقیده‌ها سست و ترس از خدا کاهش یافته و شهوترانی و بی‌بندوباری فراوان و عهد و پیمان‌ها بی‌بنیان گردیده است، این نمازگزارانند که نماز واقعی آنان صفات پسندیده را در آنان زنده و پا برجا نگه داشته است.

«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ* وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقُّ

^۱(معارج ۱۹ تا ۲۲)



مَعْلُومٌ*...»^۱

«وَالَّذِينَ هُمْ لِصَلَاتِهِمْ مَحْفُوظُونَ* أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ*»^۲

- ۱- نمازگزاران نمازهای خویش را همیشه بجا می آورند.
 - ۲- در اموالشان حساب و کتاب است و برای محرومان حقی است.
 - ۳- به روز قیامت عقیده دارند.
 - ۴- از عذاب خدا می ترسند.
 - ۵- از بی عفتی خود را حفظ می کنند.
 - ۶،۷- امانت ها و پیمان ها را رعایت می کنند.
 - ۸- اقامه شهادت حق می نمایند.
 - ۹- در نماز خود مراقبت دارند، این افراد در باغهای بهشتی گرامی اند.
- ج- نماز، قوت قلبی است که در تمامی میادین زندگی به انسان آرامش می دهد:

^۱ (معارج ۲۳ و ۲۴)

^۲ (معارج ۳۴ و ۳۵)

جک دمبشی قهرمان معروف بوکس غرب می گوید:

«قبل از نماز خواندن، نمی خوابیدم و قبل از اینکه حمد خدای سبحان را بگویم غذایی نمی خوردم و آفریننده و بخشنده انعام را ستایش می کردم و قبل از اینکه وارد میدان مسابقه شوم نماز و دعا را فراموش نمی کردم و آنگاه که وارد میدان مسابقه می شدم خدای را در نظر می گرفتم و این است رمز پیروزی من در مسابقات»^۱

از دیگر امتیازات شخص نمازگزار صبر و بردباری و تواضع و فروتنی و نظم و انضباط و حلال خوری و دارای لباس و پوششی از حلال و مراعات کننده حقّ النَّاس و حقوق بیت المال مسلمین و اخلاق خوش در خانه و بازار و اداره می باشد که اینها هر کدامش آیات و روایات فراوانی دارد، انس با خدا انسان را از همگان مستغنی می نماید.

اویس قرنی که از عبّاد و زُهّاد بزرگ روزگاران به شمار می آید و عبادتش زبانزد همگان است نشسته بود که هرم بن حیان نزد او آمد، اویس از او پرسید: برای چه اینجا آمده ای؟ او گفت: آمده ام تا با تو مأنوس باشم! اویس گفت: چطور کسی که خدای خود را

^۱ (فرازهایی از نماز صفحه ۲۲)

می‌شناسد به دیگری انس می‌گیرد؟!^۱

نمازهای خاطره‌ای:

نمازهایی خاطره‌ای در تاریخ ثبت شده است که به هر شخص با وجدانی هشدار دهنده جهت اهمیت نماز است همانند:

۱- نماز حضرت علی (علیه السلام) در لیلۃ الپهریر:

آن شب یکی از شب‌های مشهور جنگ صفین بود و کشتگان از دو طرف را قریب شش هزار نفر نوشته‌اند و در همان شب، شاه ولایت علی (علیه السلام) نماز شبش ترک نشد.

۲- نماز علی (علیه السلام) در جنگ صفین:

نماز علی (علیه السلام) در ظهر همان جنگ «صفین» که مرتب به آسمان نگاه می‌کرد وقتی ابن عباس علتش را پرسید حضرت فرمود:

«أَنْظُرُ إِلَى الزَّوَالِ حَتَّى نُصَلِّيَ»

نگاه می‌کنم که چه موقع ظهر می‌شود تا نماز بگذاریم.

^۱(شنیدنی‌های تاریخ صفحه ۱۰۳)

۳- نماز امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا:

ابو ثمامه صیداوی، در بحبوه جنگ ظهر عاشورا دید وقت نماز است به خدمت امام حسین علیه السلام شتافت و گفت: جانم بفدایت، کشته نمی‌شوی تا این که من در خدمتت کشته شوم، اما دوست دارم که این نماز ظهر را با شما اداء کنم و آنگاه خدای خویش را ملاقات کنم، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام سر به سوی آسمان برداشت و فرمود: یاد کردی نماز را. خداوند تو را از نمازگزاران و ذاکرین قرار دهد، آری وقت نماز است، از این قوم بخواهید که دست از جنگ بردارند تا نماز گزاریم.^۱

۴- نماز حضرت زینب علیها السلام در شب یازدهم محرم:

زینب علیها السلام تربیت یافته مکتب علی علیه السلام و زهرا علیها السلام است و خود نیز در تهجد و نماز و رعایت مستحبات الگو و نمونه می‌باشد بطوری که در روایات آمده است امام سجاد علیه السلام به زینب سفارش می‌کرد که عمه جان در نماز شب مرا از یاد نبری.

به گفته بسیاری از روایت، شب زنده داری زینب در تمام عمرش ترک نشده حتی در شب یازدهم محرم، پس از دیدن آن همه غم و نامردمی از دشمنان خدا، امام سجاد علیه السلام گفت: در یکی از منازل

^۱ (فرازهایی از نماز صفحه ۴۴)

بین راه شام و کوفه دیدم عمّام نماز شب خود را نشسته می‌خواند
 علّت نشسته بودنش را سؤال کردم زینب گفت: سه شب است که
 طعام و غذایم را به اطفال خردسال می‌دهم و از فرط گرسنگی
 قدرت ایستادن ندارم.

عوامل بی رغبتی به نماز:

در آئین مقدّس اسلام ترک نماز در سرحدّ کفر معرفی شده
 است.

قال رسول الله ﷺ «بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ»

مرز بین اسلام و کفر ترک نماز است.^۱

حال اینکه چه دلیل یا دلایلی دارد که افرادی در انجام این
 فریضه الهی تسلیم نشده و از اداء نماز طفره می‌روند و یا با سختی
 آن را انجام می‌دهند در اینجا به برخی از موارد آن اشاره می‌نماییم.

۱- عدم شناخت واقعی خدا:

خداوند به حضرت موسی بن عمران فرمود: ای موسی آنانکه
 شبانه روز نماز می‌خوانند و با من راز و نیازی دارند آنچنان شناختی

^۱(نهج الفصاحه جمله ۱۰۹۸)

از من دارند که گویا مرا در پیش چشمان خود حاضر می‌دانند که گویا در نزد آنان نشسته‌ام. آنکسی که خیال می‌کند مرا دوست دارد ولی همین که شب فرا می‌رسد می‌خواهد و مناجات نمی‌کند، دروغ می‌گوید، آیا هر دوستی علاقه ندارد که با دوست خود خلوت کند؟!^۱

آری اگر خدا را با اوصافی که دارد شناسیم، اگر امروز و فردایمان را به دست او ندهیم و اگر تمام رزق و روزی خود را از او ندانسته و اگر او را مالک روز قیامت ندانیم و اگر همه هستی را به او نسبت ندهیم و اگر او را مهربان‌تر از پدر و مادر و او را خالق مهربانی ندانیم، رغبتی برای پرستش او نخواهیم داشت. اما اگر تمام صفات فوق را فقط در او بشناسیم به یقین از صمیم قلب خواهیم گفت «إِيَّاكَ نَعْبُدُ...»

و اگر بدانیم که در گرفتاری‌های دنیا و آخرت کسی جز او نمی‌تواند بفریاد برسد خواهیم گفت: «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

۲- ناآشنا بودن با مفاهیم نماز:

پس از شناخت خدا اگر نسبت به آنچه در نماز می‌خوانیم آگاهی داشته باشیم و خلاصه اگر بدانیم که چه می‌گوییم و با چه کسی

^۱ (بحار الانوار، ۸۷ صفحه ۱۳۹)

سخنی می‌گوییم حال دعا و مناجات هم خواهیم داشت اگر نیازمندی خود و بی‌نیازی او اگر فضیلت و ارزش خواندن آن را و اگر معنی جمله جمله آن را بدانیم، هیچ مشغله‌ای ما را از نماز باز نخواهد داشت و هیچ کاری را بر نماز ترجیح نخواهیم داد.

قال رسول الله ﷺ: «لَوْ تَعَلَّمُ مَا لَكَ فِي صَلَاتِكَ وَمَنْ تَنَاجَى مَا سَمِعَتْ وَمَا لَتَفَّتْ»

اگر بدانی که نماز چیست و با چه کسی نجوا و مناجات می‌کنی خسته نشده و به این سو و آن سو ملتفت نمی‌شوی و نماز را به اتمام نمی‌رسانی!^۱

۳- آلودگی به گناه:

لقمه حرام و غذای نامشروع دل را سیاه کرده حال مناجات را از انسان می‌گیرد چه بسیارند علمایی که به طور جدی از حرام اجتناب داشته‌اند و اگر به صورت تصادفی لقمه‌ای حرام یا شبهه ناک خورده‌اند، در اولین لحظه احساس تاریکی دل نموده‌اند و عبادات مستحبی از دستشان رفته است.

در دعای ابوحمزه ثمالی که مجموعه مناجات امام سجاد (علیه السلام)

^۱ (بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۲۳۴)

است، امام می گوید:

خدایا چه شده که هر گاه می خواهم آماده نماز شوم و با تو مناجات کنم کسالت را بر من مسلط می نمایی؟! و لذت راز و نیاز را از من سلب می نمایی؟ شاید مرا بی اعتنایی به ربوبیت خود یافتی و از خود دور نمودی... شاید به جرم و گناه مرا مجازات نموده ای؟!

۴-دنیازدگی و غفلت:

زرق و برق ظاهر دنیا چنان چشم انسان را خیره می کند که باعث می شود آدمی از نیازهای واقعی خودش فراموش کند و اگر هم گه گاهی دست نیازی دراز می کند به سوی نیازمندی همچون خودش پناه می برد در حالی که خدا به فرشتگانش می گوید چقدر این انسان راه را گم کرده و فکر می کند که نیازش را کسی غیر من می تواند برطرف کند!^۱

اهل دنیا طعم مال و منال و خورد و خوراک دنیایی تمام ذائقه آنها را پر کرده در تصور لذت دیگری نیستند و همه کیف و لذت ها را در همین ها می دانند و بس.

قال عیسی بن مریم علیه السلام: «صاحب الدنیا لا یتذُّ بالعباده ولا

^۱(وسایل الشیعه جلد ۳ صفحه ۲۴)

يَجِدْ خَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنَ حُبِّ الْمَالِ»

حضرت عیسیٰ (علیه السلام) فرمود: دنیاپرست از عبادت و انس با خداوند لذت نمی‌برد در حالی که حبّ مال و ثروت در دل اوست.^۱

اگر این امر مهمّ الهی به صورت کامل معرفی شود اگر صفوف نماز بصورت با نشاط و پرشور تشکیل شوند اگر پدران و مادران در محیط خانه، معلمان و استادان در محیط مدارس و دبیرستان و اساتید در دانشگاه‌ها و رؤسای ادارات در ادارات و هنرمندان در صدا و سیما در غالب هنر و هیئت امناء مساجد در تمیزی مساجد و... همه و همه دست به دسا هم بدهند تا نماز و نمازجماعت به آن صورتی که در واقع هست معرفی شود بسیاری از افراد بدان رغبت کرده و در انجامش اهتمام خواهند ورزید.

نماز با زبان عربی برای غیر عرب چه فایده‌ای دارد؟

عده‌ای می‌گویند: نماز با زبانی که ما با آن آشنا نیستیم چه نقشی در روحیه ما دارد؟

در جواب باید گفت: اولاً مسئله تأثیر نماز صرفاً به خاطر

^۱ (بحارالانوار جلد ۱۴ صفحه ۲۴۰)

الفاظش نیست و نماز در جمله بندی و اذکار آن خلاصه نمی‌شود بلکه یک تعبد است و تعبد یعنی امتثال فرمان بدون چون و چرا و خود این عمل انسان را به عبودیت می‌کشاند.

علاوه بر آنچه گفته شد دلائلی بر لزوم عربی بودن نماز هست که بعضاً از این قرارند:

۱- معمولاً در ترجمه عربی به فارسی برخی از لطافت‌ها و ظرافت‌ها از بین می‌رود و از آن حالت گستردگی اولیه‌اش تنزل کرده به معنی محدودی منتقل می‌شود.

۲- نوع جمله‌بندی قرآن سبک خاصی دارد که امروز سبک شناسان هر روز لطافت تازه‌ای از آن را کشف می‌کنند و به طور حتم آن اسلوب و ترکیب خاص در برگرداندن به فارسی از بین می‌رود.

۳- به علاوه معرفی هر فرهنگی به وسیله زبان رسمی آن فرهنگ است و نفوذ هر قومی به نفوذ زبان آن قوم بستگی دارد و زبان عربی در نماز بیانگر زبان قرآن و دین است مضافاً که وحدت مناجات تمامی مسلمانان با یک زبان وحدت بین امت اسلام را می‌رساند.

آثار نماز جماعت:

اسلام دین یکدلی است و این نکته را در دستور عباداتی که بصورت جمعی هست به وضوح می‌بینیم. در آئین حیات‌بخش اسلام دستور نماز مورد تأکید است و این نماز به صورت جماعت و به شکل دسته جمعی بیشتر مورد عنایت است به طوری که افضلیت نماز جماعت بر نماز فرادا در احادیث اسلام آمده است و در شبانه روز چند وعده دستور اجتماع عبادی نماز جماعت را داده و در هفته یکبار اجتماع بزرگ‌تر نماز جمعه را و در سال یکبار اجتماع کنگره اسلامی حج را و همین امر است که دل‌های مؤمنان را علاوه بر اینکه به خدا نزدیک می‌کند، به یکدیگر نیز انس می‌دهد. علاوه بر اینکه در این اجتماعات دینی مشکلات مهمّ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم حلّ می‌گردد. در اینجا به برخی از ثمرات و آثار نماز جماعت اشاره می‌کنیم.

۱- تبلیغ اسلام:

امروز تبلیغ در دنیا حرف اول را می‌زند شیوه‌های متعدّدی برای تبلیغات بکار گرفته می‌شود دین و آئین اسلام عزیز در صفوف بهم فشردن نماز جماعت به بهترین وجه معرفی می‌گردد اگر در اسلام سخن از وحدت از نظم از یکدلی به میان می‌آید نمونه عینی و عملی آن همانا نماز جماعت است.

شاید به خاطر همین اثراتی که نماز جماعت دارد اسلام برای شرکت در آن آنقدر تأکید می‌کند که حتی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شخص نایب‌نمایی فرمود: بین منزلت تا مسجد طنابی متصل کن تا برای رفتن و شرکت در نماز جماعت مشکلی نداشته باشی و آن را ترک نکنی.^۱

۲- توفیق اجباری مسلمانان:

شاید افرادی نسبت به مبانی دینی معتقد باشند لکن در انجام فریضه نماز کمی تنبلی نمایند اما اگر صف نماز جماعت به صورتی که جاذبه داشته باشد تشکیل گردد، این توفیق اجباری کم کم آنان را به سوی این عبادت بزرگ سوق خواهد داد.

می‌گویند علی عَلِيٌّ شبی را تا به صبح به عبادت پرداخت و صبح حال شرکت در نماز جماعت را نداشت فاطمه عَلِيَّهَا گزارش کار را به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داد و عذر عدم شرکت علی عَلِيٌّ در نماز جماعت صبح را بیان نمود.

«يَا عَلِيُّ إِنَّ صَلَى الصَّلَاةِ فِي جَمَاعَةٍ أَفْضَلُ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ كُلِّهَا»

یعنی کسی که نماز صبح را با جماعت بخواند بهتر است از آنکه

^۱(بحار الانوار جلد ۸۸ صفحه ۷)

تمام شب را به عبادت بیدار باشد.^۱

۳- وحدت اَمّت اسلام:

در دنیا برای جمع کردن مردم و صاحبان یک فکر و عقیده، خرج‌های زیادی می‌کنند و کمتر هم نتیجه می‌گیرند اما در اسلام با شرکت در نماز جماعت و جمعه یک حرکت و میتینگ همیشگی تشکیل گردیده و مسلمانان با یکدیگر آشنا می‌شوند و یکدل و یک صدا با لفظ واحد، وارد و سخن واحد می‌گویند و از درد یکدیگر باخبرند این سمینار بی خرج و پرفایده برای حل معضلات اجتماعی واقعا مؤثر است.

شرکت در نماز جماعت آنقدر مهم است که امام صادق علیه السلام در یک سفارش فرمودند اگر کسی به نماز جماعت شرکت نمی‌کند و مردم درباره او از اهل جماعت سؤال می‌کنند خوب است که بگوید او را نمی‌شناسیم! یعنی او در واقع شخصیت و رسمیتی در جامعه اسلامی ندارد و حتی گفته‌اند در محکمه، شهادت چنین فردی را نپذیرند.^۲

^۱(بحارالانوار جلد ۸۸ صفحه ۱۷)

^۲(بحارالانوار جلد ۸۸ صفحه ۸)

۴- تعطیل خودبه‌خودی منکرات:

وقتی در شهری طنین صدای اذان افکنده می‌شود وقتی زمزمه نماز و مناجات با خدا از مناره‌ها بگوش می‌رسد و زمانی که مغازه‌ها تعطیل و صفوف نماز شلوغ و فشرده می‌گردد فضای کار خلاف برای اهل منکر آماده نمی‌باشد اهل باطل و طرفداران فساد در آن لحظات روحانی و معنوی سر به لاک خویش فرو می‌برند و لذا آمار جرائم در مواقعی مانند ماه رمضان کمتر می‌شود.

۵- وحشت دشمنان:

در دنیا برای نمایش قدرت، خرجهای فراوانی می‌کنند و موجودیت خود را اعلام می‌نمایند ولی در اسلام بهترین رسمیت و موجودیت در صف نماز جماعت و در طواف خانه خدا معرفی و اعلام می‌گردد.

آری در همین صفوف است که عده و عده‌ی اسلام نمایش قدرت می‌دهند و دشمن که حریف اجتماعات بزرگ نمی‌شود و شعارش این است که: «تفرقه بیفکن و حکومت کن» قدرت مقابله با این ارتش الهی را در خود نمی‌بیند.

در نماز جماعت الفت بین دل‌ها و پیوند دل‌ها و پیوند امام و امت به نمایش گذارده می‌شود و دشمنان دین هم از همین مسئله هراس دارند و لذا یکی از سران استکبار گفته بود تا قرآن و اجتماع

مردم در اطراف کعبه در بین مسلمانان رواج دارد ما حریف آنان نخواهیم شد پس باید اوّل صفوف منظم آنان و قرآشان را از آنها بگیریم سپس با آنها وارد کارزار شویم.

۶- لغو نژادپرستی:

از بلیّه‌های قرون اخیر مسئله نژادپرستی و افتخارات بی پایه و اساس نژاد سرخ و زرد و ملیت‌ها و قومیت‌های مختلف ترک و عرب و عجم و امثال اینهاست که هر کدامشان با دلایلی بی اساس و خیالی بردیگری فخر می‌فروشند.

از آثار و برکات نماز جماعت این است که این پرستش‌های موهوم از بین می‌روند پولدار فقیر، نژاد زرد و سرخ و سیاه و خلاصه عرب و عجم همه و همه در یک صف واحد و یک اجتماع واحد با زبان واحد به شکر و سپاس الهی می‌پردازند یکی دیگر از خواصّ و ثمرات نماز جماعت این است که روحیه انزواطلبی و رهبانیتی که در برخی از مکاتب از آن ترویج می‌شود به روحیه اجتماعی تبدیل گردیده و انسانی که (از انس گرفته شده) با مسلمانان دیگر در کنار هم ندای وحدت سر می‌دهند.

جوان و نماز:

نماز از جمله تکالیفی است که در همه عمر بر انسان واجب است ولی این عبادت هم همانند دیگر عبادات در دوران جوانی لذّت

و جذّابیت بیشتری دارد، در حدیث است که توبه برای همگان پسندیده است لکن از جوان پسندیده‌تر است، نماز و اطاعات خدا نیز در اوج جوانی لذّت دیگری دارد.

قال رسول ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يَفْنَى شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»

خداوند جوانی را که عمرش را در اطاعت خدا صرف کند دوست دارد.^۱

آنقدر عبادت جوان در پیشگاه خداوند محبوب است که رسول خدا ﷺ به ابوذر فرمود: برای جوانی که عمر جوانی اش را در اطاعت خدا صرف کند اجر هفتاد و دو صدیق قرار شده است.^۲

جوان در سایه رحمت الهی است:

قال رسول الله ﷺ: «سَبْعَةٌ يُظَاهِرُهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ...»

خداوند هفت گروه را در سایه رحمت خود جای می‌دهد روزی

^۱(کنز العمال صلوٰة)

^۲(مکارم الاخلاق صفحه ۲۶۶)

که سایه‌ای جز سایه او نیست اوّل زمامداران دادگر و دوّم جوانی که جوانی‌اش را در عبادت خداوند پرورش یافته باشد...^۱

خدا به جوان اهل طاعت افتخار می‌کند:

رسوا اکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: خداوند به جوان عبادت کننده در نزد ملائکه مباهات می‌کند و می‌گوید:

«أَنْظِرُوا إِلَى عَبْدِي! تَرَكَ شَهْوَتَهُ مِنْ أَجَلِي»

خداوند به وجود جوان اهل عبادت بر فرشتگان مباهات می‌کند و می‌فرماید بنده‌ی مرا ببینید به خاطر من چگونه از لذّت جسمانی خویش گذشته است.^۲

داستان‌های نماز:

عشق حقیقی و معشوق واقعی:

گوهرشاد همسر شاهرخ میرزا زنی مؤمن و باتقوا بود که مسجد گوهرشاد در کنار حرم امام رضا علیه السلام معماری ارزشمندی است که به دستور او ساخته شد.

^۱(نهج الفصاحه ۱۷۳۲)

^۲(میزان الحکمه جلد ۵ صفحه ۸)

گوهرشاد در زمانی که مسجد در حال ساخت بود گهگاهی از کارگران سرکشی می‌کرد و از معماران، پیشرفت کار را پرس و جو می‌نمود. روزی که برای سرکشی ساختمان آمده بود بادی وزیدن گرفت و گوشه روبندش بلند شد و یکی از کارگران چهره‌ی گوهرشاد را دید و با همان یک نگاه سخت دلباخته او شد. کارگر از شدت عشق به گوهرشاد روز به روز ضعیف و نحیف می‌شد، سرانجام مریض شد و در بستر بیماری افتاد اما او جرأت ابراز عشق را به کسی نداشت، مادرش روزی به دیدن او رفت و با دیدن وضع رقت بار فرزندش به گریه افتاد، کارگر راز خود را با مادرش درمیان گذاشت، مادر هم برای رفع مشکل پیش گوهرشاد رفت و ماجرا را برای او تعریف کرد، گوهرشاد ابتدا از شنیدن ماجرا متأثر و ناراحت شد. اما برای نجات آن جوان به مادرش پاسخ مثبت داد و گفت (ازدواج با پسرت را البته با شرطی می‌پذیرم و آن شرط این است که پسرت چهل شبانه روز تمام در محراب مسجد به نماز و عبادت مشغول شود و ثواب آن را مهریه‌ی من قرار دهد، اگر این شرط را کامل به انجام رساند آن‌گاه من از شوهرم شاهرخ میرزا طلاق می‌گیرم و با پسرت ازدواج می‌کنم.

مادر به خانه بازگشت و توافق و شرط گوهرشاد را به پسرش گفت. جوان با خوشحالی سر از بستر بیماری بلند کرد و گفت: چهل روز که سهل است اگر یک سال هم می‌گفت قبول می‌کردم.

جوان خود را آماده کرد و به محراب عبادت رفت، چهل شبانه روز با اخلاص و حضور قلب به عبادت و راز و نیاز پرداخت. تأثیر معنوی نماز در این مدّت در قلب و روح جوان رسوخ کرد و چشمه‌های حکمت و معنویت از قلبش جوشیدن گرفت.

روز آخر گوهرشاد کسی را فرستاد تا از حال و روز جوان جويا شود آن شخص به جوان گفت: من را گوهرشاد فرستاده تا ببیند که به شرطت عمل کرده‌ای، او هم به عهد خود وفا کند.

جوان با بی‌اعتنایی تمام در پاسخ گفت: برو به خانم بگو من هرگز حاضر نیستم برای رسیدن به وصال او از معشوق و محبوب حقیقی خود دست بردارم.

گوهرشاد که بصیرت دل داشت جوان عاشق را با تدبیری هوشمندانه از عشق مجازی به عشق حقیقی هدایت نمود و لذّت عبادت و نماز و نیاز با خدای مهربان را به او چشانید.

شکر خدا که بی‌نیاز خلق نشدم:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همراه عده‌ای از اصحاب خود از جایی عبور می‌کردند، ناگهان سگی شروع به پارس کردن کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و به پارس سگ گوش داد. اصحاب نیز توقف کردند. آنگاه رو به یاران خود کرد و فرمود: آیا فهمیدید که این سگ چه گفت؟ اصحاب گفتند: خیر.

حضرت فرمود: این حیوان می گوید: ای پیامبر خدا! من همیشه خدای مهربان را شکر می کنم که بهره من در این جهان خلقت این شد که سگ شوم، اگر انسان بی نماز بودم چه می کردم؟^۱

نماز خوان همیشه مورد اعتماد همه است:

یک مهندس روسی تعدادی کارگر ایرانی را برای کار استخدام کرده بود، کارگران بنا به وظیفه‌ی شرعی وقت اذان که می شد برای خواندن نماز دست از کار می کشیدند.

یک روز مهندس به آنها اخطار کرد که اگر هنگام کار نماز بخوانند آخر ماه از حقوقشان کسر می شود. کسانی که ایمان ضعیف و سست داشتند از ترس کم شدن حقوقشان نماز را به آخر وقت می گذاردند اما عده‌ای بدون ترس از کم شدن حقوقشان همچنان در اول وقت، نماز ظهر و عصرشان را می خواندند.

آخر ماه مهندس به آنها که همچنان نمازشان را اول وقت خوانده بودند، بیشتر از حقوق عادی (ماهیانه) پرداخت می کند کسانی که نماز خود را به بعد از کار گذاشته بودند به مهندس اعتراض می کنند که چرا حقوق آنها را زیاد داده است. مهندس می گوید:

^۱(عرفان اسلامی جلد ۵ صفحه ۹۸)

اهمیت دادن آنها به نماز و صرف نظر کردن از کسر حقوق، نشانگر آن است که ایمان آنها بیشتر از شماسست و این قبیل آدمها هرگز در کار خیانت نمی کنند همچنانکه به نماز خود خیانت نکردند.

آخرین نماز شهیدی عاشق:

پیامبر اسلام ﷺ برای دعوت مردم به اسلام افراد یا گروههایی را به سوی قبایل مختلف در شبه جزیره عربستان اعزام می کردند تا آنها را به توحید و یکتاپرستی و پرهیز از شرک فرا خوانند. برخی قبایل مانند (عضل) و (قاره) که با ظهور اسلام منافعشان را در خطر می دیدند، با مسلمانان از در نفاق و دورویی در آمدند و از رسول اکرم ﷺ نمایندگانی را برای ارشاد و تبلیغ قبایل خود درخواست کردند. پیامبر ﷺ هم گروهی را به سرپرستی (مرند) به سوی آنها اعزام کرد. آنها در منطقه ای به نام رجیع در خارج مدینه با توطئه و نقشه قبلی نمایندگان پیامبر ﷺ را محاصره کردند که در اثر درگیری تعدادی از مسلمانان به شهادت رسیدند و دو نفر بنامهای (زید) و (خبیب) به اسارت منافقین در آمدند.

منافقین برای خوش خدمتی این دو مسلمان را به کفار قریش تحویل دادند کفار هم زید را در دم شهید کرد و تصمیم گرفتند خیب را در (تنعیم) به دار بیاویزند.

خبیب در کنار چوبه دار از سران قریش خواست که اجازه دهند

دو رکعت نماز بخواند کفار با پیشنهاد خیب موافقت کردند و خیب با آرامش و توجّه به نماز ایستاد بی توجهی وی نسبت به مرگ، اطرافیان را بشدت شگفت زده کرد. خیب، پس از نماز رو به کفار کرد و گفت:

اگر نبود که گمان کنید من از ترس مرگ نمازم را طولانی می‌کنم، به این زودی از عبادت خدای سبحان جدا نمی‌شدم. خیب را به دار آویختند در حالی که لبانش به یاد خدا می‌جنبید و آخرین کلامش این بود:

خدایا تو شاهدی که یک دوست در اطرافم نیست تا سلام من را به حبیبم برساند، خدایا تو سلام مرا به پیامبر اکرم ﷺ برسان. این را گفت و به شهادت رسید.^۱

نماز باران آیت الله خوانساری رحمته

در سال ۱۳۶۲ هجری قمری زمانی که کشور ایران در اشغال متفقین بود، گروهی از سربازان انگلیسی و آمریکایی در محله خاکفرج قم مستقر بودند.

مردم قم از آیت الله سید محمدتقی خوانساری درخواست می‌کنند که برای نزول باران نماز استسقاء بخواند. ایشان به همراه

^۱(فروغ ابدیت جلد ۲)

بیست هزار نفر از مردم شهر در ماه مبارک رمضان به طرف مصلاًای خاکفرج، یعنی نزدیک محل استقرار سربازان متفقین حرکت می‌کنند، در این موقع عده‌ای از بهائیان که در پادگان نفوذ داشتند، از فرصت استفاده کرده به افسران متفقین خبر می‌دهند که مردم شهر برای غارت و بیرون راندن شما می‌آیند. نیروهای متفقین اعلام آماده باش می‌کنند و لوله‌ی توپ‌ها و مسلسل‌هایشان را به طرف جمعیت می‌گیرند اما برخلاف انتظار می‌بینند که مردم با صف‌های منظم در مصلاً ایستاده‌اند.

آیت الله خوانساری دو روز پی در پی برای نماز استسقاء به مصلاً می‌رود، روز دوم پس از نماز پاره‌های ابر در آسمان متراکم می‌شود، هنوز جمعیت به خانه‌های خود نرسیده بودند که باران شدیدی می‌گیرد و از تمام رودخانه‌های آب جاری می‌شود. پس از آن خبر این حادثه را افسران و خبرنگاران خارجی به خبرگزاری‌ها مخابره می‌کنند.

فضیلت گفتن یک سبحان الله:

در کتاب عده‌الداعی آمده است که روزی حضرت سلیمان بر قالی خود نشسته بود و سفر می‌کرد. دهقانی که مشغول آبیاری بود، وقتی سلیمان را با آن همه شکوه عظمت دید نگاهی به آسمان انداخت و گفت:

سبحان الله، خدا چه قدرت عظیمی به سلیمان داد است! باد، سخن او را به سلیمان رساند. سلیمان نزد دهقان آمد دهقان با احترام و ادب از سلیمان استقبال کرد و سلیمان نیز به گرمی و مهربانی با او برخورد نمود. از دهقان پرسید: چه گفتی؟ دهقان پاسخ داد:

عرض کردم خداوند به فرزند داوود چه ملک عظیمی داده است. سلیمان گفت: اگر مؤمن با توجّه و اخلاص سبحان الله بگوید، از تمام ملک سلیمان بهتر است.

سبحان الله تسبیح و ذکر است که دائماً در نماز آنرا تکرار می‌کنیم فضیلت این ذکر به قدری است که واجب است در نماز آنرا تکرار کنیم.^۱

پاداش نماز شب:

در وصف حالات و سلوک معنوی مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء قدس سره از علمای بزرگ قرن سیزدهم آمده است:

شبی برای خواندن نماز شب از خواب برمی‌خیزد فرزند جوانش را هم از خواب بیدار می‌کند و از او می‌خواهد با هم برای خواندن نماز به حرم مطهر امام علی علیه السلام بروند. پسرش که در آن وقت شب

^۱(معارفی از قرآن صفحه ۸۱)

برخاستن از خواب برایش سخت بود بهانه می‌آورد، اما شیخ اصرار می‌کند که حتماً باید با هم به حرم بروند، فرزندش بناچار و با اکراه بلند می‌شود و وضو می‌گیرد و با پدر به حرم مطهر امام علی (علیه السلام) می‌روند.

کنار در صحن مطهر که می‌رسند مرد فقیری را می‌بینند که نشسته و دست به طرف مردم دراز می‌کند. شیخ جعفر از فرزندش می‌پرسد این شخص در این وقت شب اینجا چکار می‌کند؟ برای چه اینجا نشسته است؟ پسرش می‌گوید: برای گدایی از مردم. شیخ می‌گوید: ببین فرزندم! این آدم به خاطر مبلغی اندک این وقت شب از خواب و آسایش دست شسته و دست بسوی مردم دراز می‌کند. آیا تو به اندازه او به وعده‌های خدا درباره شب زنده‌داران اعتماد نداری که می‌فرماید:

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمُ قُرَّةَ أَعْيُنٍ جَزَاءِ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱

فرزند جوانش از شنیدن این جمله بشدت منقلب می‌شود و در وجودش تحولی پدید آمد به طوری که تا آخر عمر نماز شب او ترک نشد.

^۱(سجده ۱۹)

سجده زیاد و همجواری با خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

ربیعہ بن کعب می گوید:

روزی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به من فرمود: ای ربیعہ! هفت سال همراه من بودی، آیا چیزی از من نمی خواهی؟ گفتم: ای رسول خدا! به من فرصت بده تا در این باره فکر کنم.

وقتی روز بعد پیش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفتم، فرمود: ای ربیعہ! خواستهات را بگو. گفتم: از خدا بخواه تا مرا با تو در بهشت ببرد. فرمود: چه کسی این خواسته را به تو یاد داد. گفتم کسی به من نگفت. ولی با خود فکر کردم اگر مال بخواهم که نابودشدنی است و اگر عمر طولانی و فرزند درخواست کنم، سرانجام آن مرگ است.

پیامبر چند لحظه سکوت کرد و آنگاه فرمود:

«أَفْعَلُ ذَلِكَ فَأَعِنِّي بِكَثْرَةِ السُّجُودِ»

این کار را می کنم ولی تو هم با سجده های زیاد خود، من را کمک کن.

انس امام خمینی قَدْ سَلَّمَ با نماز (به نقل یکی از شاهدان):

ظهر روزی که شهید مصطفی خمینی قَدْ سَلَّمَ فرزند گران قدر امام قَدْ سَلَّمَ به شهادت رسید، منزل امام پر بود از کسانی که از دور و نزدیک برای عرض تسلیت به محضر ایشان آمده بودند.

اذان ظهر که شد امام برخاست وضو گرفت و به مسجد رفت. غافلگیر شده بودم، فکر نمی‌کردم امام آنروز برای نماز به مسجد برود.

فوراً یک نفر را فرستادم تا خادم مسجد را از رفتن امام باخبر کند اما گویا خادم مسجد در آنجا نبود و آن شخص سریع سجاده‌ای را از همسایه‌ها برای امام فراهم کرد.

مردم شهر نجف وقتی فهمیدند امام به مسجد آمده، گروه گروه برای عرض تسلیت به مسجد وارد شدند.

مردم وقتی امام را می‌دیدند که به صلابت کوه ایستاده و گریه نمی‌کند، بشدت تحت تأثیر قرار گرفته بودند و گریه می‌کردند.

امام با آرامش و وقار تمام نماز ظهر و عصر را خواند و پس از نماز، در مسجد روضه خوانی شروع شد.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ:

این جمله‌ای است که در زیارت شهداء و امامزادگان می‌خوانیم... موج انفجار او را گرفته بود. روی تخت بیمارستان افتاده بود. هیچ چیز یادش نمی‌آمد. تنها جمله‌ای که از میان دو لبش بیرون می‌آمد: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بود حتی اسم خودش را هم نمی‌دانست که بگوید تا ثبت کنند.

چند روز بعد وقتی که به اردوگاه منتقل شدم خبر آوردند که بر اثر شدت جراحت و درد شهید شده است.

در کلاف این راز سرگشته بودم که چه سرّی است که همه چیز از یادش رفته بود جز «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» در قاب ذهنش نقش داشت.

با خود اندیشیدم، سرّ مطلب حتماً در این است که نماز و عبادت در وجودش ملکه شده و با گوشت و خونس آمیخته شده بود.^۱

جشن تکلیف سیّد بن طاووس رحمته:

مردم گروه گروه به طرف منزل سیّد بن طاووس می‌رفتند، کوچه شلوغ بود. شاگردان سیّد نمی‌دانستند که جشن به چه مناسبتی برگزار می‌شود. هر کدام در ذهن خود گمانی می‌زد اما از آن مطمئن نبود، یکی می‌گفت لابد عید است و ما نمی‌دانیم آن دیگری مناسبتی دیگر را حدس می‌زد. اما همگی سیّد را خوب می‌شناختند و می‌دانستند حتماً آن جشن مناسبتی ویژه دارد.

منزل سیّد پر بود از جمعیت. ذکر صلوات و قرائت شعر در مدح ائمه فضای خانه را پر کرده بود و در این میان تنها سیّد بود که می‌دانست آن جشن برای چیست.

^۱ (رمل‌های تشنه ، صفحه ۴۱)

سکوت سید طاقت شاگردان را طاق کرده بود. سرانجام یکی از آنها پرسید: اگر مناسبت جشن را بدانیم بیشتر خوشحال خواهیم شد.

تبسم شیرینی بر چهره سید نقش بست و گفت: امروز یکی از بهترین روزهای عمر من است. چندین سال پیش در چنین روزی من به سن تکلیف رسیدم و لیاقت آن را پیدا کردم که مورد خطاب خداوند رحمان باشم و به ادای تکلیف الهی پردازم از این جهت من هر سال این روز را جشن می‌گیرم.

نماز شب و رزم روز:

شب باران تندی می‌بارید، وقت نماز مغرب و عشاء بود رفتیم داخل چادر برای خواندن نماز، بین دو نماز یکی از بچه‌ها گفت که نمازهای مستحبی و نوافل را در حین راه رفتن هم می‌شود خواند، هنگام نگهبانی، وقت رزم شبانه و...

گرچه بچه‌های جبهه بیشترشان اهل تهجد و نماز شب بودند و این از چهره شان، از اخلاصشان در کار، از برخورد و رفتارشان هم مشخص بود.

دو شب قبل که نگهبان بودم، یکی از بچه‌ها را دیدم که نرم نرمک و آهسته از سنگر زد بیرون و وضو گرفت و باز آرام و بی صدا به سنگر بازگشت. می‌دانستم که برای نماز شب بلند شده

است از بیرون سنگر نجوا و زمزمه عاشقانه‌اش را می‌شنیدم، آرام نشستم کنار سنگر، هم برای نگهبانی، هم به امید ثواب از زمزمه‌های آن عابد عاشق.^۱

شکر

شکر و سپاس از جمله خصلت‌های باطنی و فطری بشر است و در بحث بندگی خدا هم که گفته می‌شود نماز را بدلیل شکر منعّم بجا بیاورید، اشاره به همین خصیصه فطری انسان است.

ما وقتی به درون جانمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اگر کسی به ما نیکی کرد، خود را مدیون او می‌دانیم تا زمانی که جبران کنیم و یا حداقل از او تشکر لفظی نمائیم و لذا در آیات قرآنی امر به شکرگزاری از نعمت‌های خداوند شده است.

«وَأَشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ»^۲

در سفارشات اولیاء دین، شکر و سپاس موجب دوام نعمت معرفّی گردیده است.

^۱ (سیمای فرزندگان ج ۳)

^۲ (تخل ۱۱۶)

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بِالشُّكْرِ تُدْوَمُ النِّعَمُ»

به وسیله شکرگزاری، نعمت‌ها دوام می‌یابند.^۱
و در اخبار و احادیث، زیادی و دوام نعمت، بسته به شکرگزاری
انسان است که شاعر می‌گوید:

شکر نعمت نعمت افزون کند

کفر، نعمت از کفت بیرون کند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ يَشْكُرْ لِيَزِدْهُ اللَّهُ»

کسی که سپاس کند، خدا نعمتش را افزون می‌کند.^۲
در نصیحت‌هایی که امامان معصوم (علیهم‌السلام) به ما فرموده‌اند،
گفته‌اند: بهترین نوع شکرگزاری، ترک گناه و معصیت است.

عَنْ امير المؤمنين عليه السلام: «شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ»

شکر و سپاس هر نعمتی، اجتناب از گناهان و محرّمات است.^۳
یکی از درس‌های اخلاقی که در بحث شکرگزاری مطرح شده
است، اینست که تشکر و سپاس از افراد نیز ضروری است و حتی

^۱ (غررالحکم جلد ۳ صفحه ۱۹۸)

^۲ (بحارالانوار جلد ۷۱ صفحه ۴۱)

^۳ (مشکوٰة الانوار صفحه ۳۵)

تشکر از خداوند به حساب می‌آید.

قال رسول الله ﷺ: «لا يشكر الله من لا يشكر الناس»

سپاسگزاری از خدا نکرده است کسی که از مردم تشکر و سپاس نکند.^۱

در باب زوال نعمت، گفته اند: عدم شکر و سپاس موجب زوال نعمت می‌شود.

عن علي بن ابي طالب: «من لم يشكر النعمة عوقب بزوالها»

کسی که شکر نعمت بجا نیاورد، عقابش از دست رفتن نعمت است.^۲

صاحب نعمت در دو جهان خداوند است و سفره نعمت او گسترده است. آیا سزاوار است در کنار سفره‌ی صاحب‌خانه او را ناسپاسی و نافرمانی کنیم.

امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: کمترین حقی که لازم است برای خدا رعایت کند آنست که از نعمت‌هایش در نافرمانیش کمک نجوید.

گاهی نعمت‌های الهی بسوی انسان سرازیر می‌شود تا انسان امتحان گردد و چه بسا کسانی از این آزمایش مردود می‌شوند و

^۱(وسایل الشیعه جلد ۱۱ صفحه ۵۴۲)

^۲(غررالحکم جلد ۵ صفحه ۲۴۷)

نعمت از آنها سلب می‌گردد.

قال علی علیه السلام: «النَّعْمُ وَحَشِيَّةُ فَقَيْدٍ وَهَا بِالْمَعْرُوفِ»

نعمت‌ها، فراری‌اند، با نیکی آنها را در بند کشید.^۱

جایگاه رفیع شکر در احادیث:

۱- شکر قلعه‌ی نعمت‌هاست:

قال علی علیه السلام: «الشُّكْرُ زِينَةُ الرَّخَاءِ وَحَصِينُ النَّعْمَاءِ»

سپاسگزاری زینت فراوانی و قلعه‌ی محکمی برای نعمت‌ها است.^۲

۲- بهترین نوع شکر، بخشیدن نعمت است:

قال علی علیه السلام: «أَحْسَنُ شُكْرِ النَّعْمِ الْأَنْعَامُ بِهَا»

بهترین نوع سپاسگزاری از خدای نعمت‌دهنده، انعام و بخشیدن از آن نعمت است.^۳

^۱(نهج البلاغه)

^۲(غررالحکم جلد ۱ صفحه ۳۵۶)

^۳(غررالحکم جلد ۲ صفحه ۴۰۷)

۳- جلوگیری از بلا می کند:

قال علی علیه السلام: «شُكْرُ النِّعْمَةِ أَمَانٌ مِنْ حُلُولِ النَّعْمَةِ»

شکر نعمت، موجب امان از فرود آمدن بلاست.^۱

۴- شکر زیاد، خیر زیاد در بردارد:

قال علی علیه السلام: «مَنْ كَثُرَ شُكْرُهُ كَثُرَ خَيْرُهُ»

کسی که سپاسگزاری اش زیاد شد خیرش زیاد گردد.^۲

عقوبت ناشکری:

قال علی علیه السلام: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ عُقُوبٌ بِرِزْوَالِهَا»

هر کس که سپاس نعمت نگوید با از بین رفتن آن سزا داده خواهد شد.^۳

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أَسْرَعُ الذُّنُوبِ عُقُوبَةَ كُفْرَانِ النِّعْمِ»

ناسپاسی نعمت، از همه گناهان، کیفری سریع تر دارد.^۴

^۱ (غررالحکم جلد ۴ صفحه ۱۶۰)

^۲ (غررالحکم جلد ۵ صفحه ۴۴۶)

^۳ (غررالحکم جلد صفحه ۲۴۷)

^۴ (وسایل الشیعه جلد ۱۱ صفحه ۵۴۱)

عن علی علیه السلام: «كَفَرُ النَّعْمِ بِحَبَابَةِ الْحُلُولِ النَّعْمِ»

نا سپاسی نعمت، باعث پیش آمدن گرفتاری هاست.^۱

و در حدیثی از امام صادق علیه السلام از قول جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرموده آمده است که: فشار قبر مؤمن، کفاره‌ی ضایع کردن نعمت‌ها و ناسپاسی آنهاست.^۲

بهترین نوع شکر:

سپاسگزاری انسان از خداوند در مقابل نعمات فراوانی که به او ارزانی داشته شده است، ترک معصیت و گناه می‌باشد.

قال علی علیه السلام: «شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ»

سپاسگزاری هر نعمتی پرهیز از محرّمات الهی است.^۳

قال الصادق علیه السلام: «الشُّكْرُ لِلنَّعْمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ»

سپاسگزاری نعمت‌ها، دوری جستن از کارهای حرام است.^۴

^۱ (غررالحکم جلد ۴ صفحه ۶۳۴)

^۲ (امالی صدوق)

^۳ (مشکوٰۃ الانوار ۳۵)

^۴ (مستدرک الوسایل جلد ۱۱ صفحه ۲۷۸)

بهترین جمله در شکرگزاری:

قال الصادق عليه السلام: «شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

سپاسگزاری نعمت، دوری جستن از کارهای حرام و سپاسگزاری کامل این است که آدمی بگوید: کلّ سپاس و حمد مخصوص خدای عالمیان است.^۱

سپاس از مؤمنان، شکر خداست:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ»

هر کس سپاس مردم نگوید سپاس خدا نگفته است.^۲

قال الرضا عليه السلام: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»

هر کس سپاس مردم نعمت دهنده را نگوید، سپاس خدای بزرگ را نگفته است.^۳

^۱ (بحار الانوار جلد ۹۳ صفحه ۲۱۴)

^۲ (وسایل الشیعه جلد ۱۱ صفحه ۵۴۲)

^۳ (وسایل الشیعه جلد ۱۱ صفحه ۵۴۲)

اظهار و نشان دادن نعمت شکر است:

قال الصادق عليه السلام: «إِذَا نَعِمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ أَحَبَّ أَنْ يَرَاهَا عَلَيْهِ لِأَنَّهُ جَمِيلٌ مُحِبُّ الْجَمَالِ»

هرگاه خداوند بر بنده اش نعمتی را ارزانی داشت، دوست دارد آن نعمت را بر او ببیند، زیرا خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد.^۱

قال الصادق عليه السلام: «إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ نِعْمَةً فَلَا يُظْهِرُهَا»

من خوش ندارم مردی از جانب خدا نعمتی به او ارزانی شده باشد و آن نعمت را آشکار نکند.^۲

در نزول بلا نیز شکر کن:

قال علي عليه السلام: «إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ يُوَالِي عَلَيْكَ الْبَلَاءَ فَاشْكُرْهُ»

زمانی که دیدی پشت سر هم بلا بر تو وارد می‌شود شکر کن.^۳

^۱ (کافی جلد ۶ صفحه ۴۳۸)

^۲ (نورالقلین ج ۵)

^۳ (غررالحکم جلد ۳ صفحه ۱۴۲)

قال علی علیه السلام: «عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ»

بر تو باد به شکر در غم و شادی.^۱

خلاصه ایمان:

قال علی علیه السلام: «الْإِيمَانُ صَبْرٌ فِي الْبَلَاءِ وَشُكْرٌ فِي الرَّخَاءِ»

ایمان کامل همانا بردباری در بلاها و شکرگزاری در نعمت و راحتی است.^۲

شکر هر کسی فراخور اوست:

قال علی علیه السلام: «شُكْرُ الْهَيْكِ بِطَوْلِ التَّنَائِ»

شکر خداوند با زیاد دعا و ثنا گفتن است.

قال علی علیه السلام: «شُكْرٌ مَنْ فَوْقَكَ بِصِدْقِ الْوِلَاةِ»

شکر مافوقت او را به راستی قبول داشتن و محبت به اوست.

قال علی علیه السلام: «شُكْرُ نَظِيرِكَ بِحُسْنِ الْإِحَاءِ»

شکر شخصی که همپراز تو است به خوبی نمودن در برادری با او است.

^۱(غررالحکم جلد ۴ صفحه ۲۸۶)

^۲(غررالحکم جلد ۱ صفحه ۳۵۶)

قال علی (علیه السلام): «شُكْرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ عَمَلُهُ بِهِ وَبِذَلِكَ لُمُسْتَحِقُّهُ»
 شکر عالم بر علمش، عمل کردن به آن و بخشیدنش به افراد
 مستحق است.^۱

جایگاه شکر در آیات قرآنی:

در هیجده مورد از آیات قرآن مجید لغت «شکر» با شکل‌های
 مختلف آمده است که نظر به اینکه بنای اختصار داریم فقط
 فهرست بعضی از آیات را ذکر می‌کنیم:

«وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ»^۲

و هر کس سپاس گزارد به سود خود سپاس گزاشته.

«...كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ»^۳

این گونه نجات می‌دهیم هر که را که شکر گزارد.

«ارْعَمُوا آلَ دَاوُدَ وَذُكُرًا»^۴

ای خاندان داود (این نعمت‌ها را) سپاس بگزارید.

^۱ (غررالحکم جلد ۴ صفحه ۱۵۸)

^۲ (نمل ۴۰)

^۳ (قمر ۳۵)

^۴ (سبا ۱۳)

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^۱

که اگر شکر گزارید حتماً بر (نعمت‌های) شما می‌افزایم

«أَنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا»^۲

زیرا که او بنده‌ای شکرگزار بود.

«لَا يَأْتِي لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٌ»^۳

همانا در این (تذکر) نشانه‌هایی (از تنبّه و عبرت) است برای هر

شکیبای سپاسگزار.

«وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ»^۴

و اندکی از بندگان من سپاسگزارند.

«أَنَّهُ عَفُورٌ شَكُورٌ»^۵

زیرا او بسیار آمرزنده و حق‌شناس و سپاسگزار است

^۱ (ابراهیم ۷)

^۲ (اسراء ۳)

^۳ (ابراهیم ۵)

^۴ (سبا ۱۳)

^۵ (فاطر ۳۰)

دو صفت محبوب خداست:

قال السجادة (عليه السلام): «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَيُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ»

خداوند قلب محزون و بنده‌ی سپاسگذار را دوست می‌دارد.^۱

شکر، عبادت است:

شبی از شب‌ها که عایشه دید رسول خدا ﷺ به درگاه خدا می‌نالید و مضطرب است عرض کرد: چرا خودت را با عبادت رنج می‌دهی در حالی که خدا تو را آمرزیده است؟

حضرت فرمود: «يا عايشة! ألا أكون عبداً شكوراً»

ای عایشه! آیا من بنده سپاسگذاری نباشم؟^۲

شب را اگر از مرده دلی زنده نداری

جهدی کن و دامان سحرگاه نگهدار^۳

^۱ (بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۳۸)

^۲ (حلیة الابرار جلد ۱ صفحه ۱۳۹)

^۳ (صائب)

ناشکری بندگان:

عن الباقر عليه السلام «لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ مِنَ الْعِبَادِ»

افزایش نعمت از طرف خداوند قطع نمی‌شود مگر به خاطر ناسپاسی بندگان.^۱

حمّادون چه کسانی هستند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت که می‌شود منادی ندا می‌دهد حمّادون (ستایشگران) برخیزند پس عده‌ای بلند می‌شوند، سپس پرچمی برای آنها نصب می‌شود، آنگاه وارد بهشت می‌شوند، عرض شد:

«وَمِنَ الْحَمَّادُونَ؟ ستایشگران کیانند؟»

«فَقَالَ: الَّذِينَ يَشْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ»

آنان که همیشه خدا را سپاسگزاری می‌کنند.
گرچه محتاجیم چشم اغنیا بر دست ماست

هر کسی دیدیم، آب از جو بدریا می‌برد.^۲

^۱ (بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۵۴)

^۲ (کلبم کاشانی)

با نعمت‌ها خوب برخورد کنیم:

قال علی علیه السلام: « أَحْسِنُوا صُحْبَةَ النَّعْمِ قَبْلَ فَاِنَّهَا تَزُولُ وَتَشْهَدُ

علی صاحبها بما عملَ فیها »

با نعمت‌ها قبل از جدا شدن از شما رفتار نیکو داشته باشید که آنها از بین می‌روند و علیه صاحب نعمت ناسپاس، که چگونه با آنها رفتار کرده است، گواهی می‌دهند.^۱

شناخت زمینه شکر است:

قال الامام العسکری علیه السلام: « لَا یَعْرِفُ النَّعْمَةَ اِلَّا الشَّاكِرُ، وَ

لَا یَشْكُرُ النَّعْمَةَ اِلَّا العَارِفُ »

نعمت را کسی جز شخص سپاسگزار نمی‌شناسد و از نعمت، جز انسان عارف سپاسگزاری نمی‌کند.^۲

شناخت، نوعی شکر است:

خداوند به حضرت موسی علیه السلام گفت: ای موسی! حقّ سپاس مرا ادا کن. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا چگونه حقّ شکر تو را انجام دهم در حالیکه نعمت از توست و شکر بر نعمت هم خود

^۱ (بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۵۱)

^۲ (بحار الانوار جلد ۷۸ صفحه ۳۷۸)

نعمتی از تو است. خداوند فرمود:

«إِذَا عَرَفْتَ ذَلِكَ فَقَدْ شَكَرْتَنِي حَقَّ شُكْرِي»

اگر همین را بدانی همین ادای واقعی شکر من است.^۱
چشم در صنع الهی باز کن لب را ببند

بهتر از خواندن بود دیدن خط استاد را^۲

بر هر نفسی شکری لازم:

قال الصادق عليه السلام: «فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ،
بَلْ أَلْفٌ وَأَكْثَرُ»

در هر نفسی لازم است خدا را شکر کنی، نه یکبار، بلکه هزار
بار و بیشتر.^۳

کمترین سپاس:

قال الصادق عليه السلام: «أَدْنَى الشُّكْرِ رُؤْيَا النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ...»

پائین ترین درجه شکر، دیدن همه ی نعمت ها از جانب خداست،
«بدون اینکه دل به چیزی غیر خدا وابسته باشد و خشنود به داده ی»

^۱ (بحار الانوار جلد ۷۱)

^۲ (صائب)

^۳ (بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۵۲)

خدا باشد و اینکه با نعمت خدا گناه نکنی و به واسطه نعمت او، امر و نهی خدا را مخالفت نکنی.»^۱

بدهکاری در مقابل خدا:

قال الصادق (عليه السلام): «ما من عبدٍ إلا والله عليه حُجَّةٌ أما في ذنبٍ اقترفه وأما في نعمةٍ قصرَ عن شكرها»

انسان همیشه در برابر خداوند بدهکار است به خاطر گناهی که مرتکب شده یا به خاطر نعمتی که در سپاسگزاری آن کوتاهی نموده است.^۲

عاقبت ناشکری یا کم شکری:

خداوند به گروهی نعمت داد و آنها سپاس نکردند. پس نعمتها تبدیل به بلا شد و گروهی را گرفتار کرد و آنها صبر کردند، پس گرفتاری‌های آنان تبدیل به نعمت شد.^۳

قال علي (عليه السلام): «إذا وصلت اليكم أطراف النعم فلا تتفروا

^۱ (بحار الانوار جلد ۷۱)

^۲ (بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۴۶)

^۳ (بحار الانوار جلد ۷۱)

أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ

هنگامی که قسمتی از نعمت به شما رسید، با کم شگری باقیمانده‌ی آن را فراری ندهید.^۱

سپاسگزارترین:

قال علی (علیه السلام): «أَشْكُرُ النَّاسَ أَفْتَعُهُمْ وَأَكْفُرُهُمْ لِلنَّعْمِ أَجَشَّعُهُمْ»

سپاسگزارترین مردم کسی است که که قانع‌تر از دیگران باشد و ناسپاسترین افراد کسی است که حریص‌تر از دیگران باشد.^۲

ما گاهی نعمت را همان چیزی می‌دانیم که با چشم می‌بینیم و آنرا لمس یا احساس می‌کنیم و حال آنکه نعمت‌های خداوندی فراتر از تصوّر و احساس ماست.

از دست و زبان که برآید کز عهده‌ی شکرش بدر آید

قال علی (علیه السلام): «الشُّكْرُ تَرْجُمَانُ النِّيَّةِ وَلِسَانُ الطَّوْبَةِ»

سپاسگزاری، آهنگ دل و زبان باطل است.^۳

^۱ (غررالحکم جلد ۱ صفحه ۳۴۳)

^۲ (بحالانوار جلد ۷۷ صفحه ۴۲۲)

^۳ (غررالحکم جلد ۱ صفحه ۳۴۳)

فرازی از مُنَاجَاتُ الشَّاكِرِينَ:

قال السجادي عليه السلام: «الهي أذهلني عن إقامة شكرِكَ تتابع طولِكَ...»

خدایا نعمت‌های پی در پی تو مرا از انجام وظیفه‌ی شکرگزاری غافل کرد.

«الهي تصاعرت عند تعاطم الأئمة شكرى...»

ای خدا شکر من در مقابل نعمت‌های بزرگ تو بسیار ناچیز است.

«فكيف لي بتحصيل الشُّكرِ وشُكْرِ إِيَّاكَ يفتقرُ إلى شُكرٍ،
فكلمَّا قلتُ لَكَ الحمدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الحمدُ...»

پس من چگونه توانم شکر آن نعمت‌ها را بجای آورم و حال آنکه شکر تو گفتن هم یکی از نعمت‌های تو است و شکر بر آن لازم است، پس من هر چه حمد و شکر تو گویم بر آن، تو را نیز حمد و شکر دیگرم باید گفت.^۱

^۱(مفاتیح الجنان)



فهرست مطالب:

مقدمه	۵
سابقه نماز	۹
ثمرات نماز	۱۱
۱- نماز و اجتناب از گناه	۱۱
۲- نماز آرامش دل	۱۱
۳- نماز نشانه مؤمن	۱۲
۴- نماز آرامش روانی	۱۴
۵- نماز جواب مثبت به فطرت	۱۵
۶- نماز و هماهنگی با هستی	۱۶
۷- نماز و رهایی از غفت	۱۷
۸- نماز و وابستگی به قدرت و عزّت	۱۹
۹- نماز و نیاز	۱۹
تعلیمات در فرهنگ نماز	۲۱
۱- شکرگزاری	۲۱
۲- تواضع	۲۱
۳- صبر	۲۲
۴- امید	۲۲
۵- پاکیزگی	۲۳
۶- تقرب	۲۳
۷- بخشودگی	۲۴
۸- اخلاص	۲۵
۹- امنیت	۲۵

- ۱۰- نجات ۲۶
- ۱۱- شفاعت ۲۶
- راز بندگی خدا ۲۷
- ۱- توجه به بزرگی خدا و فقر خویش ۲۸
- ۲- شناخت نعمت‌ها و فطرت سالم ۲۸
- مقایسه و شرمساری ۳۰
- ۱- نکتۀ اول «دَقَّت» ۳۰
- ۲- نکتۀ دوّم «مراقبت» ۳۰
- ۳- نکتۀ سوّم «مقایسه» ۳۱
- نماز در روایات ۳۳
- ۱- نماز، نشانه ایمان ۳۳
- ۲- نماز، سیمای دین ۳۳
- ۳- نماز، سفره خدا ۳۵
- ۴- نماز، هدیه الهی ۳۶
- ۵- نماز، سلاح مؤمن ۳۶
- ۶- نماز، جواز عبور از صراط ۳۷
- ۷- نماز، لیاقت حضور ۳۹
- ۸- نماز و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام ۴۰
- ۹- نماز و اجتناب از لقمه حرام ۴۱
- ۱۰- نماز و احترام به والدین ۴۲
- ۱۱- نماز و احترام به حقوق دیگران ۴۳

- ۱۲- نماز و ملاک قبولی آن..... ۴۴
- ۱۳- نماز و شرایط کامل ۴۶
- ۱۴- طاقی جهت نماز ۴۷
- ۱۵- همراهی نماز با کار..... ۴۷
- ۱۶- نماز و نجات از ناراحتی ۴۸
- ۱۷- رعایت ضعیفان در نماز جماعت ۴۸
- ۱۸- دینداری بی نماز بی دینی است ۴۸
- ۱۹- نماز بدون حضور قلب ۴۹
- ۲۰- نماز اول وقت ۵۰
- ۲۱- بازدارندگی نماز از زشتی‌ها ۵۱
- ۲۲- سرسری شمردن نماز ۵۲
- ۲۳- با تصوّر آخرین نماز..... ۵۳
- ۲۴- اولین نماز گزار بعد از پیامبر که بود؟..... ۵۴
- ۲۵- اولین واجب الهی چیست..... ۵۴
- ۲۶- اولین علامت ایمان..... ۵۵
- ۲۷- نسبت نماز به دین همچون سر به بدن است..... ۵۵
- ۲۸- ثمرات نماز از نظر قرآن و حدیث..... ۵۶
- ۲۹- امتحان شیعه با نماز اول وقت ۵۷
- ۳۰- نماز یا در زدن..... ۵۸
- ۳۱- نماز گزار خوشبخت ترین مردم..... ۵۸
- ۳۲- یک نماز قبول شده..... ۵۹
- ۳۳- نماز با تعقل..... ۵۹

- ۳۴- دزدی از نماز ممنوع..... ۶۰
- ۳۵- نماز با نان حرام ممنوع..... ۶۱
- ۳۶- جفاکارترین فرد..... ۶۱
- ۳۷- سبک شمردن نماز و تزیین حقوق..... ۶۲
- ۳۸- هشت نماز غیرمقبول..... ۶۲
- ۳۹- کسالت و خواب آلودگی و بازی در نماز ممنوع..... ۶۴
- ۴۰- اگر قدر نماز را بدانیم..... ۶۵
- شرایط نماز کامل..... ۶۶
- نماز در مکتب معصومان..... ۶۸
- نماز صالحان..... ۶۸
- ۱- از نماز سیر نمی‌شوم..... ۶۸
- ۲- خضوع رسول خدا ﷺ..... ۶۸
- ۳- کمک گرفتن به وسیله نماز..... ۶۹
- ۴- نماز علی علیه السلام..... ۷۰
- علی و نماز در بحبویه جنگ..... ۷۱
- صبر و نماز علی علیه السلام..... ۷۳
- فاطمه علیها السلام و نماز..... ۷۵
- امام حسن علیه السلام و نماز..... ۷۶
- امام حسین علیه السلام و نماز..... ۷۷
- نماز در مکتب انبیاء قبل..... ۷۹
- نکته‌ها..... ۸۲

- نماز بزرگان..... ۸۵
- ۱- نماز شیخ مفید قدس سره ۸۵
- ۲- نماز ابوعلی سینا قدس سره ۸۵
- ۳- نماز ملاهادی سبزواری قدس سره ۸۶
- ۴- نماز شیخ انصاری قدس سره ۸۶
- ۵- محدث قمی قدس سره و سفارش به نماز جماعت ۸۷
- ۶- وحید بهبهانی قدس سره و ترک نماز جماعت از ترس ریا ۸۷
- ۷- ملا عبدالکریم ایروانی قدس سره و قصد قربت در جماعت ۸۸
- چهار گروه و نماز ۸۸
- ۱- سهل انگاران ۸۸
- ۲- سبک انگاران ۹۰
- ۳- بی نمازان ۹۱
- ۴- نماز گزاران خاشع ۹۲
- نماز، اولین و مهمترین واجب ۹۲
- نماز نور است و نجات ۹۳
- نماز در مکتب همه انبیاء ۹۲
- لزوم نماز در هفت سالگی ۹۳
- حَىَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ۹۴
- حیف از تو که ارباب وفا را شناسی ۹۴
- نماز، هاله‌ای از رحمت ۹۷
- ترک نماز و جهنم ۹۷

- با تصوّر آخرین نماز، نماز بخوانیم..... ۹۹
- اهمیت نماز در مسجد و با جماعت..... ۹۹
- ارزش نماز جمعه..... ۹۹
- نماز آگاهانه ۹۸
- دلایل پرستش خدا..... ۱۰۰
- صفات نمازگزار..... ۱۰۱
- نمازهای خاطره ای..... ۱۰۵
- ۱- نماز علی (علیه السلام) در لیلۀ الهمیر..... ۱۰۵
- ۲- نماز علی (علیه السلام) در جنگ صفین..... ۱۰۵
- ۳- نماز امام حسین (علیه السلام) در ظهر عاشورا..... ۱۰۶
- ۴- نماز زینب (علیها السلام) در شب یازدهم محرم..... ۱۰۶
- عوامل بی رغبتی به نماز..... ۱۰۷
- ۱- عدم شناخت واقعی خدا..... ۱۰۷
- ۲- ناآشنا بودن با مفاهیم نماز..... ۱۰۸
- ۳- آلودگی به گناه..... ۱۰۹
- ۴- دنیازدگی و غفلت..... ۱۱۰
- نماز با زبان عربی برای غیرعرب چه فایده ای دارد؟..... ۱۱۱
- آثار نماز جماعت ۱۱۳
- ۱- تبلیغ اسلام..... ۱۱۳
- ۲- توفیق اجباری مسلمانان..... ۱۱۴
- ۳- وحدت امت اسلام..... ۱۱۵

- ۴-تعطیل خودبه‌خودی منکرات ۱۱۶
- ۵-وحشت دشمنان ۱۱۶
- ۶-الغاء نژادپرستی ۱۱۷
- جوان و نماز ۱۱۷
- جوان در سایه رحمت الهی است ۱۱۸
- خدا به جوان اهل اطاعت افتخار می‌کند ۱۱۹
- داستان‌های نماز ۱۱۹
- عشق حقیقی و معشوق واقعی ۱۱۹
- شکر خدا که بی نماز خلق نشدم ۱۲۱
- نمازخوان همیشه مورد اعتماد همه است ۱۲۲
- آخرین نماز شهیدی عاشق ۱۲۳
- نماز باران آیه الله خوانساری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ ۱۲۴
- فضیلت گفتن یک سبحان الله ۱۲۵
- پاداش نماز شب ۱۲۶
- سجده زیاد و همجواری با خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۱۲۸
- انس با امام خمینی (ره) با نماز ۱۲۸
- أَشْهَدُ أَنْكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ ۱۲۹
- جشن تکلیف سید بن طاووس رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ ۱۳۰
- نماز شب و رزم روز ۱۳۱
- شکر ۱۳۲
- جایگاه رفیع شکر در احادیث ۱۳۵

- ۱- شکر قلعهٔ نعمت‌هاست..... ۱۳۵
- ۲- بهترین نوع شکر، بخشیدن نعمت است..... ۱۳۵
- ۳- جلوگیری از بلا می‌کند..... ۱۳۶
- ۴- شکر زیاد، خیر زیاد در بردارد..... ۱۳۶
- عقوبت ناشکری ۱۳۶
- بهترین نوع شکر..... ۱۳۷
- بهترین جمله در شکرگزاری..... ۱۳۸
- سپاس از مؤمنان، شکر خداست..... ۱۳۸
- اظهار و نشان دادن نعمت شکر است..... ۱۳۹
- در نزول بلا نیز شکر کن..... ۱۳۹
- خلاصه ایمان..... ۱۴۰
- شکر هر کسی فراخور اوست..... ۱۴۰
- جایگاه شکر در آیات قرآنی..... ۱۴۱
- دو صفت محبوب خداست..... ۱۴۳
- شکر، عبادت است..... ۱۴۳
- ناشکری بندگان..... ۱۴۴
- حمّادون چه کسانی هستند؟..... ۱۴۴
- با نعمت‌ها خوب برخورد کنیم..... ۱۴۵
- شناخت زمینه شکر است..... ۱۴۵
- شناخت، نوعی شکر است..... ۱۴۶
- بر هر نفسی شکری لازم..... ۱۴۶
- کمترین سپاس..... ۱۴۶



- ۱۴۷ بدهکاری در مقابل خدا.
- ۱۴۷ عاقبت ناشکری یا کم شکری.
- ۱۴۸ سپاسگزارترین.
- ۱۴۹ فرازی از مُنَاجَاةُ الشَّاكِرِينَ.
- ۱۵۱ فهرست مطالب.